

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# پیکار ۲۸

بها: ۲۰ ریال

دوشنبه ۱۴ آبان ۵۸

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- نگاهی بر مواد قانون اساسی (۴) صفحه ۱۴
- اخباری از جنبش دانش آموزی صفحه ۵
- در آفتاب سوسیال امپریالیسم شوروی (۵) صفحه ۱۹
- اعلامیه کمیته خوزستان در پاسخ به اتهامات مغرضانه صفحه ۱۳
- مراسم بزرگداشت رفیق شهید فواد صفحه ۱۲

## تظاهرات و راهپیمایی ۷۰ هزار تفری در سندج

خلق کرد فریاد می زند :

توب - تانک - تبارزه ، لایمان نادالهم کاره ( توب ، تانک ، مسلسل ، ( را ) بارای عقابله در عقابله قدرت خلق نیست ) .  
در صفحه ۴

## پیام به دانش آموزان مبارز و انقلابی

بمناسبت سالگرد روز ۱۳ آبان

آموزش رایگان ایجاد باید گردد!  
فعالیت سیاسی آزاد باید گردد!  
فرهنگ استعماری نابود باید گردد!

در صفحه ۳

## ارتجاع در سراسر سوسیالیستی افراد

مروری بر استعفای دکتر سامی

بعداً بدان خواهیم پرداخت نشانه‌ای از این واقعیت است . اما قبل از آن لازم است ببینیم بطور کلی اعتراضات و مخالفتهاش که از دل هیئت حاکمه برمی خیزد ناشی از چیست ؟ بنظر  
در صفحه ۱۱

بحران اقتصادی ، سیاسی حاصمه بعدی حدت و گسترش یافته و آنچه آن رژیم را از همه طرف در فشار قرار داده که حتی از درون کابینه آقای بازرگان نیز فریاد اعتراض بلند شده است . استعفای دکتر سامی وزیر بهداشتی که

## شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی ؟

نقدی بر مواضع چریکهای فدایی خلق در مورد طبقات و نیروهای غیر پرولتری  
در صفحه ۹

## اخباری از: کردستان قهرمان

در صفحه ۳



## جنبش کارگری

- تشکیل "شورای کارگران پیکار پروژه ای و فصلی" گچساران
  - اعتصاب کارگران بارگیری در بندر خمینی
  - شکست بخاطر عدم تشکل و آگاهی
  - کارگران پیکار ایلام تهدید استاندار را بهیچ می گیرند
- در صفحه ۲۰

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



# پیام به دانش آموزان مبارز و انقلابی

( بمناسبت سالگرد روز ۱۳ آبان )

دیگرها شنیدن و ما زنگاران می نصب نمائیم...  
است . آنها امروز می میکنند که جنبش دانش -  
آموزی را با ما نهند و بیرون بکنند . این جنبش  
توده با لکل نمی کرده و آنرا علمیه نیست  
توطئه گران و آشوب طلبان قلمداد کنند و بدین  
وسیله این جنبش را خاموش سازند و با اینکه  
ما تندبرخی از لیبرالها و ما دموکراتهای  
لیبرال زده به اسم " جنبش در خاک کشتیک " ما  
" حرکت مرحله به مرحله " این جنبش انقلابی را  
محدود به همان خواسته های صنفی و رفاهی چون  
افزایش حقوق و دستمزد و ...

اما جنبش انقلابی دانش آموزان ایران  
غریب این " دوستان دروغین " را نخواهد خورد ( و )  
تظا هرات وسیع دانش آموزی در شهرهای مختلف  
ایران گواه بر آنست . . . . . سلطنت انقلابی این  
تظا هرات ، و شا هراتی که ملامت انقلابی و سیاسی  
آن نشان داد که دانش آموزان ایران تا همین  
خواسته های خود را جدا از تا صحن خواسته های  
خلق نمی بینند و اگر چه آنها از تسلط آشوب  
استعماری فرما رس ، کمبود علم و مدرسه ،  
هزینه تحصیلی گران ، بقای تسلط مدعیان  
ما و کمی و مزد دور و فدا ن آزادیهای دموکراتیک  
رضع برده و از طرح این شا هراتی و مسیح و  
جلب و جذب توده های نا آگاه دانش آموزی برای  
ارتقاء آگاهی و شکستن خوم آنها استفاده  
کرده و با می کنند ، ولی هیچگاه خواسته های  
خود را محدود به این سطح نکرده بلکه صریحاً و  
مستقیماً به میان خواسته های اساسی تمام خلق  
و افشای تا صحت فخری حاکمه تازه به  
قدرت رسیده می بر داند . . . . .

دانش آموزان مبارز و انقلابی !  
شما دانش آموزان طبرقم آنکه همگان مشترکاً  
به تحصیل فرما رس ا ستدانی و متوسطه مشغول  
هستید اما بدلیل خاستگاه طبقاتی و گرایش  
متفاوت طبقاتی و صدا سیت در مقابل جریان  
اجتماعی ( که ناشی از کار ذهنی و نزدیکی شما  
به علم و تفکر است ) اجباراً و بطور طبیعی در  
فعالیت سیاسی خویش گرایش تا فکری طبقات  
مختلف را نمایند می دهید . به عبارت دیگر  
همانطور که در جامعه جریانات سیاسی وابسته  
به ارتجاع ، بورژوازی لیبرال ، دموکراتهای  
نا پیگیر ( خرده بورژوا ) و دموکراتهای پیگیر  
( کمونیستها ) وجود دارد ، در میان شما نیز  
همین گرایش تا به چشم می خورد . از آنجا که  
در این مرحله از انقلاب ، کمونیستها بعنوان  
نمایندگان پیشرو ترین طبقه یعنی طبقه کارگر  
موظف هستند که با دموکراتها متحد شده و با  
افشای لیبرالها که میخواهند جنبش را به ما ز  
با ارتجاع بکنند به مبارزه بر علیه امیر -  
بالیسم و ارتجاع حاسی آن بپردازند . لازم  
است که دانش آموزان طرفدار ما را کمیسم -  
لنینیسم نیز با دانش آموزان دموکرات یعنی  
تمام آن دسته از دانش آموزانی که خواهان  
سرنگونی امپریالیسم و ارتجاع امپریالیسم  
هستند ، اما طریقه درست این سرنگونی یعنی  
راه کمونیسم را شناسایی کنند و با هدایت  
خلق و ... دل به راه های خیالی و غیر واقعی  
دیگری نمانند ( متحد شده و با افشای افکار

حکومت جدیدی از سر ما به داران و مترجمان  
گرفته است . . . . .  
در اعلامیه پس از اشاره به ما صحت هیئت  
حاکمه و بهره ریبیکا را نه وریا کا را نه آن ، که  
روز بروز توده های پیشتری بدان پی می برند و  
پس از اشاره به فاشی های ریبیونیستها ،  
لیبرالها و تمام سازنگاران برای منحرف  
کردن توده ها از مسیر انقلابی خود و گوش سرای  
به ما ز را ندن توده ها با ضد انقلاب حاکم ،  
آمده است :  
جنبش انقلابی دانش آموزان ایران نیز  
امروزه از آموزش ریبیونیستها ، لیبرالها و

در تاریخ ۱۱ آبان ما می با عنوان فوق  
از طرف سازمان انتشار یافته که ما در زیر نمت  
ها می از آن را می آوریم :  
یکسال از ۱۳ آبان ۱۳۵۷ میگذرد ، روزی  
که دانش آموزان مبارز ، از جان گذشته خود  
را در راه آرمانهای والی زحمتکشان به روشنی  
نشان دادند و عیاناً به ای طرف ا فاشی تهران  
را به صحنه نبرد خونین با ارتش ضد خلقی حکومت  
سر ما به داران وابسته به امپریالیسم مسلط  
ساختند .  
امروز آن حکومت بدست توانای زحمت -  
کشان ایران سرنگون شده ، اما جای آنرا

## با این پول...؟!

۱/۵ میلیون دلار معادل ده میلیون و  
با صد نود هزار تومان از فردی بنام حاج سید  
علی سیا هوشان به نفع حاجی قاسم همدانی  
به بانک ملی سیویورک ( ؟ ) حواله شده ، ما  
از جا زدن دست وزیر ، برای تزشین قیر حضرت  
رقیه در دمشق !  
با این پول چند خانه برای زاغه -  
تشین ها ، چند کار برای بیگاران ،  
خرج تحصیلی چند دانش آموز و  
هدای چند بیماران ... می توانست  
تا همین شود ؟!

اطلاعات شخصی صدور از کمیته با داری خنوبه  
شماره پرونده: ۲۰۵۸/۷/۱۸  
شماره سند: ۶۱۱۲۱۵  
شماره برگه: ۵۸۴۷۷۶  
تاریخ: ۱۳۵۸  
مبتکار حساب: بانک ملی خنوبه  
پارک: ...  
به این تاریخ: ...  
موضوع: ...  
توجه: ...  
ملاحظات: ...  
ملاحظات: ...  
ملاحظات: ...  
ملاحظات: ...



# اخباری از: کردستان قهرمان

## ■ مریوان

در تاریخ ۵۸/۸/۹ در مریوان تظاهراتی صورت گرفت که در آن مبارزان مریوانی - آموزان شهر شرکت داشتند. هنگامیکه تظاهرات کنندگان میخواستند به قبرستان شهدا بروند مورد هجوم پاداران و جاسهای مطی قرار میگرفتند. اما مردم با خرنجک به آنها حمله کرده و آنها را غراری میدهند. مردم به داسرای انقلاب اعلامی حمله می کنند و کلیه پرونده های موجود در آن را آتش میزنند. سپس به دفتر باصلاح جهاد سازندگی حمله نموده و یک ماشین را آتش میزنند و کلیه خواربار موجود را مانند روغن شپاشی و برونج و غیره را زمین مردم تقسیم میکنند. سپس شهر کاملاً تحت کنترل رزمندگان درصیابند. جوانان مریوان به پیشمرگان پیوستند

میدانل افشاگریهایی که از طرف نیروهای انقلابی در مریوان صورت گرفت، دولتی را و شش پاداران (انجام گرفته تگرومی از جوانان مریوان که از سرنا آگاهی و با فکرو فشار مالی در خدمت دولت خدا انقلابی قرار گرفته بودند، اسلحه خود را زمین گذاشته و تعدادی از آنها با ملاحهای خود به پیشمرگان پیوسته اند.

مردم اختلافات خود را توسط پیشمرگه ها حل و فصل میکنند. پیشمرگان قهرمان (س. ا. ب. ک. ۰۱) در تاریخ ۵۸/۸/۲۲ با گاه "انجیران" در منطقه سرشیو را بدون درگیری خونین تصرف کرده و چندین قبضه اسلحه سنگین از جمله با زوکا، خپاراه انداز، تیربار و ۳-۳ مارتنگ انداز و چندین قبضه ۳-۳ و ام یک را معادری نمودند. هم اکنون این منطقه در کنترل پیشمرگان قهرمان است و مردم اختلافات خود را توسط آنها حل و فصل میکنند. آنها به تشکیل شوراهای فرمایشی تن در داده اند و تنها مرجع خود را اتحادیه دهقانان مریوان و اوامرات میداند.

## ■ سنندج

تظاهرات به شیوه طرفداران قانون اساسی در تاریخ ۵۸/۸/۲۲ پاداران مستقر در سنندج همراه با اعضای جهاد سازندگی (روپهم تعداد ۷۵ نفر بود) دست به تیراکی با همپاشی زدند. تظاهرات بقدری سخره بود که مرتجعین هوادار مفتی زاده هم آنرا خربم کردند. مردم در خیابانهای فردوسی و ۲۲ بهمن با سنگ به

استقبال آنها رفتند بطوریکه کف خیابان از سنگ پر شد. مردم سپس به دنبال تیراندازیهای هوایی پاداران متفرق شدند.

## ■ قریز

تظاهرات دانشجویان به حمایت از مبارزات مسلحانه خلق قهرمان کرد (خلاصه شده)

(نقل از ضمیمه مطبوعه کمیته آذربایجان)  
بمنظور حمایت از مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلق کرد تظاهراتی از سوی دانشجویان، روز یکشنبه ۵۸/۸/۶ در دانشگاه قریز برپا شد. همه دانشجویان انقلابی از جمله دانشجویان هوادار ما زمان پیکار در راه... دانشجویان مبارز و پیشگام از این تظاهرات پشتیبانی گسترده بوجد.

دانشجویان با حطوف منظم از جلوی دانشگاه پزشکی حرکت کردند و راه پیمانی در محیط دانشگاه به نشانه همبستگی با خلق کرد افشای جنایتهای حکومت کما که در کردستان شمار میداند که:

۱- سرکشی، امپریالیسم، خلق کردن، زندانی خلق کرد حوقوف ما به گره، زندانی خلق کرد آزاد ما بگردد، "جلال دل زعفرنجستاد خلق ما شد"، "گتار خیر ما بین درقا و نه تکرار شد"، "درود بر شهدای بخون خفته خلق کرد"، "در پیکار خلق کرد ما زنگاری محکوم است" بر روی پلاکاردهایی که از سوی تظاهرات کنندگان حمل میشد عطا لب ذیل نوشته شده بود "گتار خلق کرد ما به غوراً متوقف گردید"، "متحکم شراباد میبوند خلقهای گسرد، شرک، بلوغ، عرب و... " "شرک بر ما میریست" لبسم"، "میبوند خلق کرد ما دیگر خلقهای ایران ناگسختی است" "سرا انجام حفظ هر کشتگان که بالغ بر ۳۰۰ نفر بودند همگی از طی خیابانهای دانشگاه در زمین چمن گسرد آمده بودند و قطننامه هشت ماهه ای از طرف آنان قراشت گردید.

آنچه که در این میان جلب توجه میکرد مقاله ای بود که از طرف کمیته ایالتی حزب توده بعد از تظاهرات در جلوی طلب مرویس نصب شده بود که چپ روی و اینگونه امستال را محکوم کرده بود!

## ■ بائه

حمله به پاسگاه کوخان در تاریخ ۵۸/۷/۲۷ چندین از پیشمرگه های دلاور ما زمان انقلابی زحمتگان کردستان ایران با همپاشی تعدادی از پیشمرگه های دلیر شیخ جلال حسینی (برادر عزالدین حسینی) با سلاحهای سنگین به پاسگاه کوخان مستقر بسین

جاهه سردشت - ما به حمله کردند که طی آن ۲ نفر از نیروهای دولتی کشته و ۶ نفر زخمی شدند. پیشمرگه های قهرمان ما لم به پایگاه های خود برگشتند.

## ■ تکذیب خبر کیهان

از منابع موثق درباره خبر رسیده که خبر زخمی شدن شیخ جلال حسینی و پیشمرگان پنجشنبه خله به ما دگان ما به (مستخرج در کیهان پنجشنبه ۵۸/۸/۲) تا درست است و این دو نفر سالم هستند.

## ■ مسأله پوشاک

ماعت ۸ شب سه شنبه ۵۸/۸/۱ یک وانت بار حامل مقداری پوشاک زمستانی برای مسیاء پاداران ارباب و اربابها به ما به ما به رسید. راننده وانت بصورتی که مشهور است پاداران است، از چند نفر جوان آدرس محل مسیاء پاداران را جی پرسید. جوانان ما مبارز با هوشتاری راننده را بسوی مقر شیخ جلال حسینی هدایت میکنند و در آنجا محتویات وانت را به پیشمرگان کرده معادری میگرد.

## ■ به نقل از خبرنامه های ما زمان انقلابی زحمتگان (با تلخیص):

روز یکشنبه ۵۸/۷/۲۲ و شب ۵۸/۷/۲۳ پیشمرگان این سازمان در جاده معیاد - حیاندو آب - و شهر معیاد و جاده حیاندو آب - بوکان پس از دست گرفتن کنترل جاده و نفوذ در شهر به بحث سیاسی با مردم درباره مسائل روز پرداختند و سپس به پایگاههای خود بازگشتند.

روز پنجشنبه ۵۸/۷/۲۶ پیشمرگان این سازمان در جاده معیاد - بوکان یک خودرو را در رمی را معادری و دود در جاده را دستگیر کردند همچنین آنها در جاده حیاندو آب - بوکان دو افسر و سه درجه دار و یک سرباز ارتش را دستگیر نمودند. پیشمرگان بعد از افشای ماهیت ارتش می رژیم و ما دلانه بودن دفاع مسلحانه خلق کرد و روشنگریهای سیاسی آنها را آزاد نموده و ما لم به پایگاه خود بازگشتند.

## ■ پاسگاه "انجیران" خلق صلاح شد

پیشمرگه های قهرمان، این پلیگان کوهستان های سر فراز کردستان در روز ۵۸/۷/۲۲ / پاسگاه انجیران را به محاصره در آورده و انفراات پاسگاه که قدرت مقاومت نداشتند، تسلیم شدند. در این حمله - یک خمپاره - انداز، یک با زوکا و ۶۰ تا ۷۰ حندق مهمات بدست پیشمرگه ها افتاد. و شش پاسگاه و دو درجه دار نیز با سارت در آمدند که بعد از تسلیمات سیاسی آزاد شدند. خلق صلاح این پاسگاه توسط پیشمرگه های ما زمان زحمتگان (کومه له) کورت شهید فراد صورت گرفت.

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق هاست



بقیه از صفحه ۲

پیا می به ...

**تظاهرات و راهپیمایی ۷۰ هزار نفری در سندج**

دو کودک با غرور و شادی بول خود را که دو تومان بود در صندوق کمک به پیشمرگان کرد انداختند!

در میان تظاهرات هرکندگان جوانانی صندوق به دست برای پیشمرگان قهرمان کمک مالی جمع میکردند. در جایی در کودک باغ و روشادی فراوان بول تو جیبی خود را که دو تومان بود در صندوق انداختند! در این تظاهرات بسیاری از اهالی دهات اطراف سندج شرکت کرده بودند و این نشان میداد که روستائیان ما سطح آگاهیشان بالا رفته و خواهان شرکت در مبارزات توده‌های شهری هستند. برای نمونه در میان تظاهرات هرکندگان دو پلاکارد با مضمون زیر چشم میخورد:

"ما دهقان و زحمتکشان منطقه زاو رود پشتیبانی خود را از خود مختاری کردستان در ایرانی آزاد اعلام میداریم." "ما زحمتکشان روستای "باوریز" پشتیبانی خود را از آزادان سین حسینی و پیشمرگان رزمندگانه اعلام میداریم و تا آخرین قطره خون خود در کنار آنان مبارزه خواهیم کرد."

پاره‌ای از شعارهای تظاهرات هرکندگان عبارت بود از: نان، مسکن، آزادی - استبداد خونخواری، در لباس دینداری - ارتجاع وابسته نابود باید گردد، کردستان خود مختار ایجاد باید گردد - انزلی، کردستان، پیوندتان مبارک - کردستان، کردستان، گور - ستان فاشیستان - مرگ بسوچاشه کسان و جاشه کرد فروخته گرد (مرگ برجاشه و جاشهای کرد فروش) - اتحاد، مبارزه، پیروزی لازم به تکرار است که در این تظاهرات بیش از ۱۰۰ نوع شعار تکرار میشد.

مضمون پارهای از پلاکارد هاجنین بود: "برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر" و "ولایت فقیه گنا، ترین تلافی که سر مردم ایران میروند." "خلق کرد مجلس فرمایشی خیرگان را محکوم میکند." "درد هر شهیدان راه آزادی." "خلق کرد خود - مختاری میخواهد نه جنگ."

همچنین در بعد از ظهر همین روز پیش از ده هزار نفر از مردم سندج تا روستای "قره یان" که محل دفن یکی از شهدای کردستان بود، راهپیمایی کردند و پرزواران شهید گرد آمدند.

لازم به تذکر است احمد مفتی‌زاده این قهرمان نوکر ارتجاع روز چهارشنبه یعنی نهم آبان را روز عید قربان اعلام کرده بود و از مردم خواسته بود مغازه‌های خود را ببندند و به مسجد بیایند. اما روز چهارشنبه کلیه مغازه‌های شهر سندج باز بود و این خود مشتکی بود در دهان مفتی‌زاده. ■

در تاریخ ۵۸/۸/۱۰ بنابعد عت قلیسی شیخ عزالدین حسینی رهبر ملی و مدعی کرد - ستان، بیشتر از ۷۰ هزار نفر از مردم سندج و دهات اطراف آن در یک راهپیمایی و تظاهرات عظیم با شکوه شرکت کردند. این راهپیمایی که در نوع خود بی نظیر بود، به مناسبت تجلیل از شهدای کردستان و پشتیبانی از پیشمرگان قهرمان آن و اعتراض به جنایات دولت ضد خلقی در سراسر ایران بود.

خلق کرد که تاکنون شاهد بخون کشیدن خود در دین و عید سنتی یعنی عید نوروز و عید فطر بود، اینبار در عید قربان بعد از دادن قربانی - های بسیار نشان داد که حاضر به گردن نهادن به یوغ بردگی ارتجاع و امپریالیسم نیست. او نشان داد که خواهان ادامه انقلاب دمو - کراتیک و ضد امپریالیستی ایران است. خلق کرد نشان داد که میتواند در مقابل یورش مغول وار و فاشیستی رژیم ضد خلقی کنونی ایران - مسلحانه از کلبه دستاورد های قیام خونین خلق - های ایران دفاع کند. اما مرجعین از شکستهای خود عبرت نمی‌گیرند، آنها با مشاهده این تظاهرات عظیم باز هم در بلند - گوهای ارتجاعي خود اعلام میدادند که خلق کرد طرفدار جمهوری اسلامی است و فقط عده‌ای ضد انقلابی!!! توطئه میکنند. زهی وقاحت و بی شرمی!

در روز عید قربان مردم مبارز سندج و دهات اطراف آن ابتدا در ساعت ۹/۵ صبح در میدان آزادی تجمع کرده سپس با حمل پلاکارد - های بسیاری همراه با دادن شعار در خیابان - های شهر دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. هر لحظه بر تعداد راه پیمایان افزوده میشد. تظاهراتندگان سپس از محلات فقیرنشین شهر عبور کردند که با حمایت بی نظیر آنها رو برو شدند. در اکثر محلات فقیرنشین زنان و مردان با چشمه‌های پراز اشک با شادی مردم را نقل باران وحشی در چندین جاسگه - باران کردند. در ساعت ۲۰۱۰ دقیقه بود که هلیکوپتری در فاصله بسیار نزدیکی از بالای سر مردم حرکت میکرد. مردم با مشاهده هلی - کوپتر با دادن شعارهایی از قبیل توپ، تانک، تیاره، لامان ناداله م کاره (توپ، تانک، هوا - پیما، ما را از این کار منصرف نمی‌کند) توپ، تانک، موشه ل سه ل - نای شکتی همیزی که ل (توپ، تانک، مسلسل، را) یارای مقابلیه در مقابل قدرت خلق نیست) و همچنین با خواندن سرود های ملی مانند "ه رقیب خشم و غضب خورد رانست به آنها نشان دادند. در ساعت ۱۲/۵ تظاهرات هرکندگان در "تایله" (گور - ستان شهید) گرد آمده و یار د بگریا شهدای خود بیجان بستند که راه آنان را ادامه دهند.

لیبرالی و روبریونستی در بین دانش آموزان، روحیه سازشنا پذیری جنش انقلابی دانش - آموزان را حفظ نمابند. اما همانطور که اتحاد کمونیستها با دموکراتها مفهوم نفی استقلال کمونیستها نیست و ضرورت است که کمونیستها در ضمن وحدت با دموکراتها استقلال خویش را حفظ کنند (بنا بر کمونیستها پس از ایجاد جمهوری دموکراتیک خلق برخلاف دموکراتها که تنها تحت رهبری بزولتاریا می توانستند این مرحله همراهی کنند، متوقف نشده و برای آنکه در جهت محو هرگونه استعمار از انسان از انسان حرکت کنند لازم است که جمهوری سوسیالیستی یعنی حکومت کارگران و فقط کارگران را تاسیس نمایند) و این استقلال از طریق حزب طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست تأمین میشود. به همان طریق دانش آموزان طرفدار مارکسیسم - لنینیسم نیز با بدستگاری مارکسیستی - لنینیستی خود را در ارتباط با ما زما تنها و گروههای مارکسیست لنینیست و پاک و راهشما می آنها بوجود آورند. ....

دانش آموزان طرفدار مارکسیسم - لنینیسم موظف هستند که برای انقلابی کردن هر چه بیشتر جنبش دانش آموزی، علاوه بر آنکه به تبلیغ و ترویج ایده‌های سوسیالیستی در میان دانش آموزان می پردازند، کوشش نمایند که جنبش دانش آموزی را به میان دانش آموزان مدارس جنوب شهر و میان فرزندان زحمتکشان بکشانند. .... آیا کسی هست که تفاوت میان دانش آموزانی را که در اثر بیگاری پدر مجبورند به روزنامه‌ها یا خرده‌فروشی در خیابانها بپردازند و حتی در بسیاری از موارد مجبورند به خاطر احتیاج خانواده دست از تحصیل برداشته و سرکار بروند، با دانش آموزانی که هر روز صبح با اتوبوس یا پدربه مدرسه میروند نفهمد؟ ... به اتفاق ما، وظیفه تمام دانش آموزان طرفدار مارکسیسم - لنینیسم است که قاطعانه این پرده ضخیم و نفرت انگیزی را که نمایی - گدا در جنبش دانش آموزی اما آینه میان فرزندان زحمتکشان کشیده شود، کاملاً از هم دریده و ترکیب جنبش دانش آموزی را بنفع فرزندان زحمتکشان تسخیر و هندو این وظیفه، جزا از طریق فردگرایشات غیرنوده‌ای و روبریونستی، جز از طریق تبلیغ و ترویج و سازماندهی کمونیستی در میان فرزندان زحمتکشان، میسر نیست. به موازات آنکه جنبش کمونیستی بندهای پیچیده خود را با جنبش توده‌ای و در راستای طبقه کارگر مستحکم تر میکند، این وظیفه دانش آموزان طرفدار مارکسیسم - لنینیسم است که جنبش دانش آموزی را میان زحمتکشان برده و آنرا استحکام بخشند. در آن صورت، جنبش دانش - آموزی بصورت گلهای شاداب و ریشه در خاک سیاه آنها درخواهد آمد که برخلاف گلهای باد و باران نبدیده، گلخانه‌ها که تاب مقاومت در برابر سوزش پاره‌های بیابانی را ندارند، مستحکم و قاطع ایستاده و بیگمبری فرزندان زحمتکشان را همچون استقامت خود زحمتکشان به تمام خلقهای ایران نشان خواهد داد.

"برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!"

"ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

۱۱ آبان ۵۸

"بیش بسوی ایجاد تشکلهای م. ل. دانش آموزی!"

"بیش بسوی ایجاد سازمانهای دموکراتیک دانش آموزی!"

"بیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!"

"تنگ و نفرت بر امپریالیسم و ارتجاع حامی آن!"



اخباری از:



جنبش دانش آموزی

بانه

مدارس شهر با نه منظور پشتیبانی از صبا دان انزلی، اعتراض به عدم تامین جانی برای معلمین و دانش آموزان مبارزو خواست آزادی زندانیان سیاسی، چندین روز در حالت اعتصاب برمی گردند. در این شهر مردم از روحیه مبارزه جویانه، بالائی برخوردارند و عکسهای مزرگی از شیخ عزالدین حسینی، در خیابان اصلی شهر نصب شده است.

مسجد سلیمان

اتحاد، اتحاد، شعار دانش آموز سه شنبه اول آبان

دانش آموزان هرستان صنعتی پس از مدتها اعتراض و تحمن برای برآوردن خواسته های صنعتی - سیاسی شان - چون با بی-اعتنائی مسئولان و برومی شوند بعد از دادن اولتیماتوم سرانجام اول آبان ماه در خیابانهای شهر دست به راهپیمائی می زنند. برخی از شعارها چنین بود:

اتحاد، اتحاد، شعار دانش آموز  
آگاهی، شکل دشمن ارتجاع است  
شوراهای واقعی ایجاد باید کرد  
تحمن، اعتراض، حق مسلم ماست  
مرگ بر ارتجاع، شعار اصلی ماست  
وای بروزی که شود آشکار

نقش نوای مرتجع جیره خوار  
اداره مدارس زیر نظر شور  
مدیرانتصابی اخراج باید گردد  
فرهنگ استعماری نابود باید گردد  
و.....  
آخرین خبر حاکی است که با برخی از خواسته های آنها توافق شده است.

سندج

اعتراض به محارمه اقتصاد، نظامی مبارز

دانش آموزان دبیرستانهای سندج به عنوان اعتراض به محارمه اقتصاد، نظامی شهر مبارز از تاریخ ۵۸/۸/۵ بعدت سه روز اعتصاب بنشسته کردند.

اهواز

دانش آموزان می زمند درختی از اعلامه ای که توسط "گروهی از دانش آموزان مبارز" اهواز، تحت عنوان "رژمان برخورد با دانش آموزان" انتشار یافته، چنین آمده است:

مریوان

اعتراض دانش آموزان به تبعید معلمین مبارز

بدنبال تبعید ۹ تن از معلمین مبارز مریوان، بسیاری از دانش آموزان این شهر روز شنبه ۲۱ مهرماه در محل آموزش و پرورش متحصن شده و خواستار لغو حکم تبعید آنان گردیدند. روزیکشنبه ۲۲ مهرماه، با ردیگر دانش آموزان بعنوان اعتراض به تبعید معلمین دست به تظاهرات زدند که طی آن چند نفر از معلمین دستگیر شدند. پس از این دستگیری دانش آموزان دومرتبه در محل آموزش و پرورش متحصن نشستند. تحمن آنها روز ۲۶ مهرماه پس از مذاکره و صدور قطعنامه ای با خواسته های زیر پایان گرفت:

- ۱- لغو حکم تبعید معلمین
  - ۲- آزادی زندانیان سیاسی (بخصوص دانش آموزان زندانی)
- دانش آموزان بدنبال بی جواب ماندن خواسته هایشان دوباره از روز دوشنبه ۳۰ مهرماه در محل سابق متحصن شدند. در این میان

دیوگلا

در روستای دیوگلا از توابع آمل، دانش آموزان راه نمائی بخاطر اعتراض به انتقال یکی از معلمین از این مدرسه که بنا بر گفته دانش آموزان با توطئه رئیس و معاون مدرسه صورت گرفت، در روز دوشنبه ۵۸/۷/۳۰ از رفتن به کلاس خودداری کردند، و خواهان بازگشت معلم مزبور و اخراج رئیس و معاون

مسجد سلیمان

بدنبال اعتراض دانش آموزان دبیرستان مدینه رضائی به انتصاب رئیس دبیرستان و بی توجهی مسئولان آموزشی به خواسته های دانش آموزان، دامنه اعتراض به تحمن در آموزش و پرورش می کشد که حدود ۲ هفته به طول می انجامد در این مدت هر روز گروه بیشتری از دانش آموزان سا بردبیرستان - ها به تحمن کنندگان می پیوندند، بطوریکه در هفته دوم از تمام دبیرستان ها گروه های شرکتی داشتند و این در حالی بود که عبا هیان منفی خدمت هم در همانجا متحصن بودند و دیپلمه های بیگانه هم در شهرداری تحمن داشتند

اغلب معلمین مدارس به پشتیبانی از دانش آموزان و با خواسته های: ۱- لغو حکم تبعید همکاران خود ۲- آزادی زندانیان سیاسی ۳- قطع یورشهای شبانه پاسداران برای دستگیری معلمین و دانش آموزان مبارز، دست به اعتصاب زدند.

تحمن و اعتصاب بدنبال "قول" مقامات مبنی بر لغو حکم تبعید معلمین مبارز تا ۱۵ آبان، روز سوم آبان بطور موقت پایان گرفت. در پایان تحمن دانش آموزان با شرکت مردم اقدام به یک راهپیمائی و تظاهرات با شکوه کردند، بعضی از شعارهای آنها عبارت بود از: "کردستان تنهاست، ایران بیخیز"، "تا خون درگ ماست، مبارزه راه ماست"، "انزلی کردستان بیوندان مبارز"، "کاک فواد"، "کاک فواد، راه ادامه دارد" و... در پایان تظاهرات پاسداران به جمعیت حمله ور شدند و اقدام به تیراندازی هوائی نمودند. دانش آموزان و مردم با سنگ و چوب چنان به مقابله پرداختند که پاسداران با دادن دوزخی مجبور به فرار شدند (پس از آن جمعیت با چوب و وسایل دیگر خیابانها را بستند و با آتش زدن چند لاستیک، ساعتها در خیابانها تظاهرات پرداختند.

مدرسه شدند، پس از تظاهرات، ۱۵ نفر از دانش آموزان به نمایندگی از طرف سایر دانش آموزان برای اعتراض به انتقال معلم مذکور به اداره آموزش و پرورش آمل رفتند ولی گفتگویشان با مقامات اداره و نیز اعمام هیئتی از طرف این اداره به ده و مذاکره در آنجا نتیجه ای نداد، و دانش آموزان هم از رفتن بکلاس خودداری کردند. امتناع آنها از رفتن بکلاس تا تاریخ ۵۸/۸/۵ (تاریخ ارسال خبر برای ما) ادامه داشته است.

که مجموعاً در شرایطی حالت غیرعادی و وضع اضطراری پیش آمده بود. و این خود باعث شده که ارتجاع سراسیمه عقب نشینی کند و بر خلاف حرف رئیس آموزش و پرورش (حداد) که در اولین روز تحمن گفته بود اگر تمام مردم ایوان هم از شما پشتیبانی کنند ما رئیس دبیرستان را عوض نمی کنیم، نه تنها مجبور به تبعیض رئیس دبیرستان شدند، بلکه حداد را هم برکنار نمودند. باقیه خواسته ها هم بطور ضمنی توافق شد. دانش آموزان بدنبال برآورده شدن یکی از خواسته هایشان که ادامه حیثیت از طریق راه دیوار دانش آموزان بود، به سر کلاسها برگشتند. راه دیوار روز چهارشنبه ۸/۲ ساعت ۵ بعد از ظهر اعلامیه ای به این مضمون پخش کرد که متحصنین غذا نغلابی نبوده بلکه خواسته های دانشمندان برآورده شد.



## رزمیان پر خروش باد!

دانش آموزان مبارز و انقلابی!  
امروز در مقطعی از تاریخ مبارزانه‌ی خلق قهرمان کنورمان پس از هفتاد و نود سال مبارزه خلقمان پس از ۷۰ هزار شهید در حالی که توانسته‌ایم رژیم مغفور پهلوی را ساقط کنیم و پس از اینکه توانستیم زخم‌هایی بر سینه‌ی آمریکا وارد کنیم، اکنون هیئت حاکمه بجای حفظ دستاوردهای انقلابمان که همه ناخپل نفوذ امپریالیسم و ایجاب فضای دموکراتیک در سطح کشور است، سعی در گرفتن آن دستاوردها بی دادرگه خون بهای هزاران شهید بوده است. هیئت حاکمه کنونی از ابتدای پس از قیام با حمله به آزادیهای دموکراتیک و ادامه رابطه با امپریالیست‌ها نشان داد که منافعش با منافع خلقهای ایران در تضاد است. سرکوبی خلقهای کرد، ترکمن، عرب در همین رابطه است که نشان میدهد اینان که نمی‌توانند و نمی‌خواهند خواسته‌های برحق مردم ما را عملی سازند و راهی جز سرکوبی ندارند.

در این اعلامیه که در پهنمایی از دولت‌های دانش آموزان دبیرستان متحدین نوشته شده، قطعاً مدافعان آموزان دبیرستان محبوبه متحدین نیز آمده است. متن قطعنامه چنین است:

- ۱- آزاد شدن فعالیت سیاسی در سطح دبیرستان‌ها
  - ۲- تشکیل شوراهای دانش آموزی برای دخالت و نظارت در دانش آموزان در امور خود.
  - ۳- دبیرستان حق اخراج هیچ دانش آموزی را ندارد مگر با تصویب شورای مرکب از دانش آموزان و دبیران.
  - ۴- اخراج بندری جاسوس و جلوگیری از ایجاد چنین فعالی برای رشد این عمل زشت و ننگ بار که چیزی جز تحکیم جاسوسی و خیریه‌ی به شیوه‌های ساواک سابق نمی‌باشد.
  - ۵- اخراج مدیران انتصابی و انتخاب مدیریت توسط شورای مرکب از دانش آموزان و دبیران که تنها نمایندگان واقعی این محیط آموزشی می‌باشند.
- ما قاطعانه خواهان رسیدگی فوری به خواسته‌هایمان هستیم و چون خواسته‌های خود را برحق میدانیم فعالیت سیاسی خود را در سطح دبیرستان مبتنی بر رعایت حقوق اصولی افراد آغاز می‌کنیم !!

عده‌کثیری از دانش آموزان دبیرستان محبوبه متحدین

## چگونه دستاورد نوجوانان و کودکان کرد ما بعد از انقلاب، بدست ضد انقلاب نابود شد

در تاریخ سوم مهرماه ۵۸ اعلامیه‌ای با عنوان بالا از طرف گروهی از اعضای کتابخانه کلک‌کجا ر "سندج منتشر شده که در قسمتی از آن می‌خوانیم:

"پس از قیام بهمن ماه، همزمان با ایجاب دموکراتیک - اجتماعی متعدد در شهر سندج، نوجوانان محله‌های مختلف شهر با کوشش و تقوی خود تعداد دویست و شصت نفری کتابخانه - حتی در کویسکهای کوچک فلزی - ایجاب کردند که بعد از آن تحت نظر شورای هماهنگی کتابخانه - های محل سندج کار این کتابخانه‌ها تنظیم نویسی بخود گرفتند. ....

از جمله این مراکز، کتابخانه "کلک‌کجا ر" متعلق به محله فقیرنشین کلک‌کجا ر بود. ساختمان کتابخانه قبل از انقلاب محل سکونت یکی از جلادان فراری ساواک بود. ما با جمعی از بچه‌های محل این ساختمان را تصرف کرده، با ابتکار خود با جمع آوری مقادیر قابل توجهی پول - که در مواردی حتی از یک ربالی‌های توجیبی دوستان کوچکمان جمع میشد - به ترمیم ساختمان و تهیه کتاب و سایر وسایل مورد نیاز پرداختیم. با تحمل رنج بسیار و کوشش‌های بیدریغ و شبانه‌روزی تمام دوستان توانستیم در عرض مدتی کمتر از شش ماه کتابهای کتابخانه را به بیش از ۴۰۰ جلد برسانیم (بناظر پرورش فکری دوستان و دادن امکان انتخاب وسیع به آنها ۴۰۰ جلد کتاب مذهبی نیز در کتابخانه جای دادیم) ...

بندریغ زحمات ما نتیجه خود را نشان میداد. در عرض مدتی کوتاه عده‌ای بالغ بر ۱۶۰ نفر به عضویت کتابخانه ما درآمدند. ....

اعلامیه پس از اشاره به سایر فعالیت‌های اعضای کتابخانه (غیر از کتابداری) مانند، ارسال کتاب به روستاها، ایجاب ارتباط بین کودکان و نوجوانان شهری و روستایی به منظور ایجاب دهمستی هر چه بیشتر در بین بچه‌های منطقه، ایجاب دسته‌های مطالعاتی، انتشار نشریه، ایجاب دکلهای زبان کردی، ایجاب کلاسهای جدیدی و تقویتی برای دانش آموزان



## باید بدانیم که دانش آموزان حتی کتابخانه‌های دانش آموزان را هم به آتش کشیده‌اند.

بی‌خفاست، بخش اعلامیه و غیره در داخل محله و ... می‌افزاید: "همه این کارها شور و شوق عجیبی در بین بچه‌ها بوجود آورده بود، و ... تا اینکه در سالگرد کودتای منحوس ۲۸ مرداد، روزی که میبایستی پس از ۲۵ سال خفقان، طمع آزادی و روشنایی را با تمام وجود حس میکردیم ... سبیل "باید بدانیم" به سندج روانه شد. آنها هجوم آوردند تا بقول خودشان از انقلاب "حفاظت" کنند. ولی دیدیم که چه "حفاظتی" کردند، تنها کارشان نابودی مراکز انقلابی و ایجاب رعب و وحشت بین مردم و کشتار انقلابیون بود و ظاهراً هم "موفق" شدند (چه خیال باطلی!) - آنها حتی به دستاورد های کودکان هم رحم نکردند (ارتجاع که کوچک و بزرگ نمی‌شناسد!)، آنها کتابخانه‌ها را یک بیک نابود ساختند و به آتش کشیدند. در این بیان کتابخانه "کلک‌کجا ر" نیز از این "حفاظت" بی‌نصیب نماند. در یک چشم بهم زدن ما غنای کتابخانه‌ها را با تمام کتابها و وسایلش دود و دود بپوشاند. حاصل کوشش شبانه‌روزی دهها کودک و جوان که با هزار رنج و پندختی فراهم آورده بودند - چشم آمدشان - طعمه حریق شد. چرا؟ مگر کتاب و کتابخانه، بحث و روشنگری کار خلاقانه بود ... می‌گویند آمده‌اند تا "حفاظت" را در هم بکوبند و حمله "مهاجمین" را مهار سازند! ولی این‌ها تنها دیکر رنگی ندارند. خدا انقلاب واقعی را دیگر همه‌شناخته‌اند. نام و عنوان و بهانه‌ها، نشان کسی را گول نمی‌زنند. دیگر روشن شده است که آزادی مردم غار چشم‌گمانی است. آیا خدا انقلاب کسی است که کتابخانه‌ها را می‌زداید؟ آنکه آنرا آتش می‌زند؟ قضاوت ما ده است. ....

بعد از آتش سوزی کودکان محل بلافاصله جمع شدند و با نابوری چشم به آتش دوختند. در حالیکه انگ در چشمانشان حلقه زده بود شاها را زمین رفتن گنجینه‌ای بودند که با آن همه زحمت بدست آمده بود. اشکی که نشا نگر خشمشان بود.

فهمیدیم که دشمن شومی بردار نیست. دشمنی که مهر خدا انقلاب به پیشانی انقلابیون می‌زند، خلق کرد را مهاجم مینامد ... دشمنی که ادعای "انقلابی" بودن دارد در حالیکه حتی تحمل وجود یک کتابخانه محلی را هم ندارد!؟

ما در ماه‌های اخیر آموخته بودیم که پیروزی آسان بدست نمی‌آید و دشمن سر سخت و جان سخت است و مبارزه تنها راه پیروزی است. ... اگر ارتجاع مدیا ر هم دستاوردهایمان را بپا دهد و تا بوسه زهر بارها با ایمان و تجربه‌ای بیشتر آنرا از بین ببرد ما خواهیم کرد و با شیوه‌های مبارزاتی جدیدتری دشمن را قدم بقدم عقب خواهیم راند و به همین ترتیب تا پیروزی نهایی که همان نابودی کامل دشمن است ادامه خواهیم داد.

اعلامیه سپس با شمارهای زیر پایان می‌یابد:

درد بر کودکان و جوانان مبارز و انقلابی  
مرگ بر ارتجاع! سلام بر آزادی!



## (۳)

### موسی صدر، امل، چمران و باند او را بشناسیم

- سازمان دست راستی امل که حتی یک عملیات علیه اسرائیل انجام نداده، امروز با انقلاب فلسطین می جنگد.
- خطر سازمان امل برای انقلاب فلسطین از کجا و به چه دلیل است؟
- کمکهای مالی و تسلیحاتی هیئت حاکمه ایران به امل برای مبارزه علیه انقلاب فلسطین، ماهیت دولت را بر ملا می کند.
- درگیری شدید بین امل و نیروهای انقلاب فلسطین در بیروت (۱۱ آبان) به چه معنی است؟

در دو شماره ۲۵ و ۲۷ پیکار مقاله‌ای را که حاوی اطلاعاتی از عملکرد سید موسی صدر، رئیس‌نایب‌رئیس‌جمهور عالی شیعیان لبنان، بود آوردم و زمینه وجود آمدن سازمان امل، اهداف ارتجاعی و ضدانقلابی آن و نمونه‌هایی از عملکرد آن در همکاری با رژیم سوریه جهت سرکوب انقلاب فلسطین در لبنان را مورد اشاره قرار داده‌ام و اکنون ادامه مطلب:

امل بعنوان جناح نظامی جنبش محرو - مین در سال ۵۳ در بین جوانان شیعه جنوب لبنان بوجود آمد. موسی صدور همکار او (در این مورد) چمران، با تکیه بر انگیزه‌های فرقه‌ای شیعی و با استناد به ازدواج انقلابی و رزمجویانه‌ای که در لبنان وجود داشت و حاصل پیوستن تبارهای رسیدن تضادهای طبقاتی و ملی و گروه - بندی‌های اجتماعی جامعه لبنان بود، سازمان امل را پی‌ریزی کرد و هدف از آن:

نه مقاومت مسلحانه در برابر اسرائیل که همه روزه روستاهای جنوب لبنان را در معرض حملات زمینی، هوایی و دریایی خود قرار میدهد (و میدهد).

نه برای مقابله با اقدامات فاشیستی و حملات مسلحانه نیروهای دست راستی لبنان، نه برای حمایت از حقوق زحمتکشان جنوب از تجاوز فئودالها و سرمایه‌داران وابسته، نه برای حمایت از انقلاب فلسطین و همگامی و همراهی با نیروهای مترقی که مشترکاً جنبه واحدی را علیه آمریکا، اسرائیل و عمال آنان بوجود آورده‌اند.

نه برای مقابله با تجاوز نظامی سوریه به مقاومت فلسطین و نیروهای مترقی لبنان، بلکه برای حفظ نظام سیاسی حاکم بر لبنان که مبتنی بر فرقه‌گرایی مذهبی است، بود. نظامی که در عین حال، ارتجاعی بود، فسادات فساد و اجتماعی و سیاسی کم نظیر است. سازمان امل، جوانان ناآگاه شیعه را می‌فریفت و آنان را چون هیزیم به کوره اهداف ارتجاعی ای می‌انداخت که از آن جز فئودالها و سوزواری وابسته شیعه، جز دست راستیها و ارتجاع عرب و جز اسرائیل سود نمی‌بردند.

وظیفه سازمان امل، خرابکاری در اهداف مبارزه جویانه انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان بود و تا به‌تازگی علیه نیروهای دموکرات و مترقی فلسطینی و لبنانی، تورا ندن توده‌های شیعه جنوب لبنان علیه فلسطینی‌ها و مقابله با حقوق طلبیهای کارگران و کشاورزان جنوب و ممانعت از پیوستن جوانان شیعه به سازمانهای مترقی و جلوگیری از حمایت و پیوند توده‌های جنوب با انقلاب فلسطین، پیوندی که برای ادامه‌کاری انقلاب فلسطین نهایت اهمیت و ضرورت را دارد.

فلسطینی‌ها از خطر چنین سازمانی برای ایران فلسطین و لبنان بخوبی آگاه بودند و همواره می‌کوشیدند تا نوعی از خطر آن بکاهند.

شهر لبنان بلکه یکی از محلات استوانه‌نژادیک بیروت است) بدست نیروهای دست راستی، در نسخه توطئه "امل" تفرقه بیوست. علی‌رغم ادعاهای دروغین چمران و طاباطبائی و دیگران در باره "فرض مبارزاتی" سازمان امل، باید گفت که این سازمان تاکنون حتی یک اقدام عملیاتی مسلحانه علیه اسرائیل و فیلانز - بسنجا و در کنار مقاومت فلسطین و نیروهای مترقی لبنان ندانسته است.

طی دو سال گذشته در وضع سازمان امل تغییر جدی بوجود نیامده بلکه روز بروز از سوی نیروهای مبارز در لبنان، بیشتر افشا و طرد گردید. اما با سقوط رژیم شاه و روی کار آمدن رژیم جدید در ایران و بقدرت رسیدن کسانسی مانند بزرگی و چمران و قطب زاده، سازمان امل از کمکهای مادی و معنوی بسیار برخوردار گردید. علاوه بر استقامتی که از هیئت‌های سیاسی آن سازمان صورت گرفت و تبلیغاتی که سیدریح در اردیبهشت و بیرون بیرون آن انجام شد، با یگانهای نظامی نیز در اختیار آنان قرار گرفت و "فالانز"های دست پرورده موسی صدر و چمران به آموزش نظامی "فالانز"های ایرانی پرداختند (منحمله در علی آباد داده قم). کمک مالی و تسلیحاتی که تا جوانمردانه و علی‌رغم خواست صمیمانه توده‌های ایرانی از انقلاب فلسطینی دریغ شده است، در اختیار امل قرار گرفت و بر طبق اطلاعات واطمه هم - اکنون این سازمان در لبنان ۱۲ هزار نفر تحت سلاح دارد، در حالیکه تا یکی دو سال پیش به هزار هم نمی‌رسید. در مناطق مختلف شیعه نشین یعنی شهرهای صور، بعلبک و بقاع و دهات آن مناطق و حتی برخی از محلات بیروت (منحمله شیاخ) برای مقاومت فلسطین و نیروهای مترقی لبنان می‌موج مراحم و حتی درگیری است.

فعالانهای خرابکارانه سازمان امل که زیر نظر چمران و باناناید رژیم حافظ اسد و با دستگیری کسانسی مانند صادق طاباطبائی صورت میگیرد، مشکل جدید و پیچیده و خطرناکی را علیه انقلاب فلسطین در لبنان بوجود آورده است. توضیح اینکه حفظ پایگاه در جنوب لبنان و پیوند هرچه عمیق‌تر با توده‌های لبنانی در جنوب (که عمدتاً شیعه هستند) برای



در حال توطئه علیه جنبش مقاومت فلسطین . . . . !

گاه با معائنات و همکاری و کمک (۱) منظم محدود کردن و بهار کردن آن. و گاه با افشای منقسم و غیر منقسم آن، (و اخیراً گوتنالی دادن به آن). اما امل نقش ارتجاعی خود را در حمایت از تجاوز سوریه به لبنان در سال ۱۹۷۶ (۵۵) خوبی نشان داد و همانطور که در مقاله پیش‌گفتیم سقوط محله شیعه (که بر خلاف ادعاهای دروغ صادق طاباطبائی نه یک

(۱) - نمونه چنین موضعی، حرفی است که سوتیلک نانچمران - طاباطبائی ارباب - عرفات راجع به امل نقل می‌تود که عرفات گفته است: "فتح یعنی امل و امل یعنی فتح". به حرات میتوان گفت که کمترین انقلابی فلسطینی، اصولی بودن و وحی بودن چینی - حرفی را با ورمی کند. هر کسی که با عملکرد جدید ساله برخی از رهبران فلسطین آشنا شد می - فهمد که چنین حثی ارسوی با عرفات (که در شرایط بسیار حساس جنوب لبنان و در مرا می که طرفداران موسی صدور امل دو سال پیش سر پا کرده بودند، گفته شده است) تنها در چهار - چوب "مصلحت اندیشی"های تاکتیکی که برای خود آن رهبری معنی میدهد، صورت گرفته است. این حرف، آسروشی برای امل و باند چمران بار نمی‌آورد.



## بیاد دکتر حسین فاطمی، چهره دموکرات کابینه مصدق

" حنا یات دربار پهلوی حنا یات ملک فاروق را روسفید کرد ... خائن همیشه خائف است . کودتای اجنبی ( علییه مصدق ) وقتی نقش بر آب شد ، شاه به اولین سفارت انگلیس پناه برد . شکر خدا را که آخرین پایگاه سی ساله انگلستان یعنی دربار پهلوی منهدم شد که جز اراده شما نمی توانست ایمن کانون را منهدم کند "

ولی از آنجا که واقعا ملزومات انهدام سلطنت از جانب مصدق و یارانش فراهم نشده بود و نمی توانست هم باشد ، گفته های شهید فاطمی در همان حد آرزو و آمال ماند .

پس از کودتای ۲۸ مرداد ، فاطمی مخفی شد و چند ماه بعد که دستگیر شد نسبت به او کینه - توزانه ترین رفتارها را کردند . اشعنان جعفری (بی مخ) در راه " دادگاه " به او چاقو زد و بعدها زمانیکه ۴۰ روز از اعتصاب غذای اومی - گذشت و در تب شدیدی میسوخت او را بر برانکار گذارده و به جوخه اعدام سپردند .

بیاد فاطمی شهید همواره در خاطره توده های قهرمان ما و در تاریخ مبارزات مردم ایران جاودان خواهد ماند .

" درود بر همه شهدای راه استقلال و آزادی "

۱۹ آبان ماه مصادف است با بیست و پنجمین سالگرد شهادت دکتر حسین فاطمی روزنامه نگار مبارز و سیاستمدار ضد امپریا - لیستی دوره نهضت ملی نفت . خلقهای قهرمان و مبارز ایران هرگز بیاد این فرزند دلیر ، صریح و سرسخت آن دوران را از بیاد نخواهند برد . زنده یاد دکتر محمد مصدق درباره او گفت :

" اگر ملی شدن صنعت نفت ، خدمت بزرگی است که در مملکت شده باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نمود سیاستگزاری کرد و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است "

در آن زمان که مبارزه ضد امپریا لیستی توده های میهن ما برای استیقای حقوق ملت در زمینه ثروت نفت و در جهت قطع سلطه و نفوذ انگلیس ها و لانه جاسوسی آنها ( دربار ) ، حلقه اصلی مبارزات مردم را تشکیل میداد ، قزاق گرفتن فرد مبارز دموکرات و ضد امپریا - لیستی چون دکتر حسین فاطمی در پست وزارت خارجه ، میتوانست در تندتر کردن آهنگ پیشروی مبارزات مردم موثر باشد .

او در مخالفت صریح خود با دربار از همه همکاران خویش یک سر و گردن جلوتر بود و در آن مرحله خواستهای ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی توده مردم را بیان میکرد . او در میتینگ روز ۲۵ مرداد ۳۲ گفت :

بهمان شکل و مضمون سابق ، و باقی کمانسی مانند شاکر دربار ارتش ، تحویل ۲/۵ میلیارد دلار سلاح آمریکائی به ایران ، نگاهداری سفارت آمریکا و اسناد دنیا با ت آمریکا در ایران و منطقه بوسیله کمیته " تا شناخته " سفارت آمریکا ، سرکوبی خلق کرد و ... را در کنار هم بگذاریم دست داشتن در توطئه علیه انقلاب فلسطینی نه نکفت انگیز ، که بسیار طبیعی خواهد بود .

آنچه نکات بالا در مورد خطر دارودسته فانیستی امل را تا شاید میبکند ، خبر از درگیری ایست که خبرگزاریها روز جمعه ۱۱ آبان ماه از بیروت

فلسطینی های بسیار خجانی است و سازمان امل با قدرت و امکانات مالی و تبلیغاتی که پیدا کرده میتواند با توطئه ها و حادثه آفرینی های مکرر خود در قلع پیوند بین انقلاب فلسطین و توده های نا آگاه شیعه موثر باشد . از سوی دیگر رژیم سوریه خواهان تضعیف و مهار کردن وزیر نفوذ گرفتن انقلاب فلسطین و جنبش مترقیانه لبنان است ، کاری که ادا میماند

سرکوب نظامی سال ۱۳۵۵ و ۵۶ است و سازمان امل میتواند با توجه به سابق وابستگی خود به ارتجاع سوریه در آن نقش اساسی را داشته باشد . طی ماههای گذشته از این لحاظ چنان عرصه برای انقلاب فلسطین تنگ شده است که فلسطینی ها برای جلوگیری از خطر یک انفجار و درگیری بین شیعیان و نیروهای فلسطینی بارها از آیت الله خمینی استمداد کرده اند که شیعیان را به حمایت از انقلاب فلسطین تشویق نماید . ولی آیت الله خمینی علیرغم اینکه تاکنون سه بار ابتدا حجت الاسلام سجادی و دوبار

هم به خود را ( که با اول آن اعلام شد ) به لبنان فرستاده است ولی به این دلیل که عمدتاً بر بنام موسی مدروچمران و طباطبائی تکیه دارد - که این تکیه تصادفی هم نیست - از این سفرها فایده ای عاید جنبش فلسطین نشده است ،

ما در فرصتی دیگر از توطئه ای که علیه انقلاب فلسطین بوسیله رژیم حافظ اسد و دستگیری باندهای مشکوک داخل در هیئت حاکمه ایران ، در جریان است پرده برخواهیم داشت و در اینجا تنها به این اشاره بنسند میکنیم که روابط گرمی که بین سوریه و رژیم ایران بوجود آمده و سفر پرسروصدای صادق طباطبائی به لبنان و نیز سفر عبدالخلیم خدام وزیر خارجه سوریه به ایران ، حلقه هایی از توطئه آمریکا علیه فلسطین و لبنان را تشکیل میدهد . توطئه ای که انقلاب فلسطین به اشکال گوناگون سعی در خنثی کردن آن نموده است . هم اکنون از برکت وجود چمران و پاندا و در مراکز قدرت ، سازمان امل که تا چند سال پیش گروهک غیر - قابل محاسبه ای در لبنان بود ، به صورت عمده

سرطانی خطرناکی برای انقلاب فلسطین در لبنان درآمده است . بر اساس اطلاعات بدست آمده سازمان امل در تهران ، حوالی خیابان تخت طاووس دفتری مخفی هم دایر کرده است . و این در حالی است که نه حقوق دیپلماتیک را برای سفارت فلسطین قائلند و نه به جبهه خلق برای آزادی عمان در دست داده اند . اگر اقدامات مشکوک هیئت حاکمه ایران را از زمان بقدرت رسیدن تاکنون در نظر بگیریم و موضع گیریهای نظیر عدم تقویمیان دوجانبه نظامی بین ایران و آمریکا ، عدم افشای اسرار فعالیت های آمریکا و سازمانهای جاسوسی آن در ایران و منطقه ، کوشش برای بازسازی ارتش

گزارش کردند : درگیری سخت بین امل و نیروهای انقلاب فلسطین که اولین درگیری بزرگ در نوع خود میباشد ، امل ، سلاح تازه - ایست در دست ارتجاع عرب اسرائیل و امپریا - لیست که انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان را با خطری بزرگ ، خطر محروم کردن انقلاب فلسطین از تنها پایگاه باقی مانده اش یعنی جنوب لبنان ، میزان خیانت و وابسته بودن با نداشتن چمران به سیاستهای امپریالیستی را با جنگ افروزی در لبنان ( و نیز در کردستان ) باید سنجید . ( ادامه دارد )

**حفظ قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا ، سند رسوائی هیئت حاکمه است**



# پیکار

## شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟

نقدهای بر مواضع چریکهای  
فدائشی خلقی در مورد طبقات  
و نیروهای غیر پرولتری

"مسئله روش برخورد سوسیال دموکراسی  
(کمونیستی) به احزاب بورژوازی یکی  
از مسائل "عام" یا تشویریک بشمار می  
رود. یعنی از آن مسائلی است که  
مستقیماً به هیچ وظیفه مشخصی که در  
لحظه معین در مقابل حزب قرار می  
گیرد مربوط نمی شود... (لنین: شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)

### ۱ - کمونیستها و احزاب بورژوازی

در تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی مسئله  
نحوه برخورد به احزاب بورژوازی یکی از  
سرچشمه های عمده اختلاف میان جناحهای مختلف  
جنبش کمونیستی، جناح اپورتونیستی و جناح  
انقلابی پرولتری و از عمده ترین موارد سرز-  
بندی کمونیستها با اپورتونیسم و ریزبونیسم  
است. "منتأ" حقیقی نباید تمام اختلافات و  
مطئناً تمام اختلافات اساسی، همه اختلاف نظر  
های موجود در مسائل مربوط به سیاستهای عملی  
پرولتاریا در انقلاب روسیه، اختلافی بود که  
در برآورد ما از شیوه برخورد به احزاب غیر -  
پرولتری وجود داشت. (لنین - شیوه برخورد  
به احزاب بورژوازی)

برای اپورتونیستها این مسئله است در  
حوزه پراشیک، نه یک مسئله "عام" و "تشویریک"  
حال آنکه برای کمونیستها، خیانت پشنگی  
بورژوازی لیمبرال و تزلزل خرده بورژوازی در  
انقلاب دمکراتیک از اصول "عام" بشمار می آید.  
مسأله روش برخورد سوسیال دموکراسی به  
احزاب بورژوازی یکی از مسائل "عام" یا  
"تشویریک" بشمار می رود. یعنی از آن مسائلی  
است که مستقیماً به هیچ وظیفه مشخصی که در  
لحظه معینی در مقابل حزب قرار می گیرد، مربوط  
نمی شود... جناح اپورتونیست حزب ما مانند  
اپورتونیستهای سایر احزاب سوسیال دمکرات  
از یک دستور کار "اداری" یا "عملی" پشیمانی  
و دفاع می نمودند. آنان از مسائل کلی و عام  
می ریدند و از یاد می بردند که در تحلیل نهایی  
تنها سیاستهای کلی و منتهی برامول هستند  
که سیاستهای واقعی و عملی را تشکیل می دهند.  
فراموش می کردند که اگر کسی بدون آنکه قبلاً  
مسائل عام را حل کرده باشد درگیر حل مسائل  
جزئی گردد ناگزیر و در هر قدم بدون آنکه  
خود تشخیص دهد، با آن مسائل عام برخورد  
خواهند نمود، سیاستهای کسی که هزار بار آنها  
برخورد کور داشته باشد محکوم به بدترین  
نوع نوسانها و بی اصولی ها است"  
(لنین - شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)  
کمونیستها بیگمرا نه خیانتکاری ناگزیر  
بورژوازی لیمبرال در انقلاب دمکراتیک برای  
توده ها اقتضای و فریبکاری وی را عقیم  
می نمایند. کمونیستها با ناپیکیری و تزلزل  
خرده بورژوازی مبارزه کرده و در عین اینکه  
تما بر طبقاتی پرولتاریا و مالکین جزء و بیاسیل  
تولید رانسان می دهند، می گویند آنها را از  
نفوذ لیمبرالها خارج نموده و به پشتیبانی از  
موضع پرولتاریا بکشانند، تنها چنین سیاست  
پیکیری، پرولتاریا را از زاشده بورژوازی در

انقلاب دمکراتیک به نیروی رهبری کننده، این  
انقلاب تبدیل خواهد کرد.  
در مورد احزاب چپ خرده بورژوازی، وظیفه  
کمونیستها این است که بر مانتیسم اقتصادی و  
شیوه سوسیالیستی و همچنین آئوبی موجود در  
افکار و ایده الهی خرده بورژوازی شهری و  
دهقانان را که مبتنی بر سادوی و برابری طلبی  
در زمینه تولیدکالای است، برای پرولتاریا  
توضیح داده و تما بر طبقاتی پرولتاریا را از

وظیفه اش که درگیر شدن در مبارزه مستقیم علیه  
لیمبرالسم است آگاه نباشد، اگر برای  
رها نیدن دهقانان دمکرات از نفوذ لیمبرالسم  
مبارزه نکند، آثوقت سیاستهای پرولتاریا  
می الواجه متقل نیست. لنین"

### ۲ - کمونیستها و احزاب ریزبونیستی

تاریخ جنبش کارگری همیشه شاهد رخنه  
انواع اپورتونیسم از نوع برنشتمیسی،  
کائونیکستی و... در جنبش پرولتری بوده  
است. در زمان ما با غلبه ریزبونیسم  
خروجی برحزب و دولت شوروی و تبدیل  
شوروی سیک دولت سوسیال امپریالیستی و نیز  
غلبه ریزبونیستهای نوپا و ارتجاعی -  
سه جهائی بر دستگاه رهبری حزب و دولت چین،  
رخنه ریزبونیسم در جنبش بین المللی کمو -  
نیستی ابعا دیمراتب وسیعتری یافته و جنبش

● "رها کردن ایده رهبری و قیحا نه ترین نوع رفرمیسم است" (لنین)

● مبارزه با ریزبونیسم از کال مبارزه با امپریالیسم می گذرد،  
مبارزه با ریزبونیسم جدا از مبارزه ضد امپریالیستی، تنها سقوط در  
مرداب تشویری ریزبونیستی سه جهائی و ارتجاع و امپریالیسم  
است.

پرولتاریا را در مقابل مسائل خطری قرار  
داده است. امروزه، شوروی سیک قدرت امپری-  
الیست و توسعه طلب تبدیل گردیده که در رقابت  
با قدرتهای امپریالیستی غربی سیک سلاح  
خاص خود نیز مجهز است و آن ردای "سوسیالیستی"  
است که دقیقاً برای اندام امپریالیسم نو -  
ظهور برش یافته و آنرا می پوشاند. سوسیال  
امپریالیستها با طرح گذار و مسالمت آمیز،  
انقلاب را نفی کرده و قدرت نظامی و اقتصادی  
شوروی را عامل عمده در گذار کشورها به سوسی-  
الیسم قلمداد میکنند. آنان نغمه "نوم" را  
رشد غیرسرما به اداری" را زاکرده و آنرا تطبیق  
طایق مارکسیسم - لنینیسم با شرایط کنونی  
کشورهای وابسته جا میزنند. بموجب این تیز  
ارتجاعی در کشورها وابسته، احزاب کمو -  
نیست با پیدا زایده رهبری انقلاب دمکراتیک  
صرف نظر کنند و رهبری را به نمایندگان خرده -  
بورژوازی که نگرشی "توق طبقائی" دارند  
واگذار کرده و تسلیم و دنباله رو بورژوازی  
گردند. بر طبق این تزارتجاعی و فدرالیستی  
جناح چپ بورژوازی به کمک حزب و اعدا ورش  
میتواند کشور را از رشد سرما به اداری معمولی  
(در مدار وابستگی به قدرتهای مرسوم امپری -  
الیستی غرب) به راه رشد غیرسرما به اداری،  
(که چیزی جز دولتی کردن بخشی از اقتصاد  
کلی طبقه سرما به اداریست) سوق دهد، و صد  
السته عامل عمده در چنین تحولی قدرت اقتصادی  
و نظامی شوروی است. این رهبران "ما فوق  
طبقائی" تنها با ایجاد روابط وسیع با زرگانی،  
سیاسی و نظامی و استفاده از "کمکهای" شوروی  
است که میتوانند در راه رشد غیرسرما به اداری  
گام بردارند و لای غیر! زیر پوشش همین تیز  
سوسیال امپریالیستی است که ما امروزه از

زادیکال ترین اقترا خرده بورژوازی توضیح  
دهند. در هنگام برآمدن جنبش توده ای، گریه  
پرولتاریا با خرده بورژوازی دمکرات علیه  
استبداد لیمبرالسم خیانت پیشه اشتراکی عمل  
خواهد شد، ولی کمونیستها در سازش و همکاری  
با احزاب غیر پرولتری هیچگاه امتیازات اید-  
ئولوژیک ندادند و هرگونه انحرافی از برنامه  
و تاکتیک پرولتری را قاطعانه رد میکنند.  
کمونیستها هیچگاه ایده رهبری رافراسوش  
نخواهند کرد. "رها کردن ایده رهبری و قیحا -  
نه ترین نوع رفرمیسم است - لنین". کمو -  
نیستها در هرگونه سازش و عمل مشترک  
تما بندگان طبقات غیر پرولتری، آئوسی از  
توضیح ما هیت واقعی و موقتی این وحدت،  
ماهیت احزاب و منافع طبقاتی این کسی  
تما بندگی میکنند، برای پرولتاریا، غفلت  
نخواهند کرد و در مقابل هرگونه تزلزل و سازش  
احزاب و نمایندگان خرده بورژوازی دمکرات  
با لیمبرالسم، سازشکاری و تزلزل آنها را  
برای توده ها افشا کرده و آنها را برای  
بشیمانی از موضع پرولتاریا و خارج ساختن  
از نفوذ بورژوازی لیمبرال تحت فشار قرار  
خواهند داد و به توده ها نشان خواهند داد که  
تنها دمکراسیم بیگمرا نه پرولتاریا است که نه  
تنها از منافع این طبقه بلکه از خواستهای  
دموکراتیک کلیه طبقات خلق دفاع خواهد کرد.  
کمونیستها شعور طبقائی پرولتاریا را پرورش  
داده و استقلال سیاسی واقعی وی را در مقابل  
کلیه طبقات غیر پرولتری تا سن می نمایند.  
بدون بیگمرا نه چنین سیاستی هرگز نمیتوان  
از استقلال ظل پرولتاریا حتی سخن هم به  
نمایان آورد. ... اگر پرولتاریا از این گرایش  
لیمبرالسم (کوئش او برای متوقف کردن  
انقلاب) بی خبر باشد، اگر پرولتاریا بر



طرفی تا هدیشیبانی ثوروی از انواع رژیم‌های میلیتاریستی و ضد خلقی و آراستن این رژیم‌ها با ظاهرفریبنده "غیرسرما به داری" بوده و از طرف دیگر شاهدا ستما رزحمتکشان این کشورها و غارت منافع آنها توسط سوسیال امپریالیسم ثوروی و بورژوازی "خودی" هستیم .

رویزونیستی‌های سه‌جانبی چین نیز تحت پوشش مبارزه با سوسیال امپریالیسم به تمام معنی به ما رکنیم- لنینیمم پشت‌کرده و هرگونه سازشی را با ارتجاعی ترین رژیم‌ها تمویز کرده و انقلاب مبارزه طبقاتی را به طاق نسبان کوفته اند . رویزونیستی‌های چینی که میخواهند در خیانتکاری به پرولتاریا و خلقها گوی سبقت از سوسیال امپریالیستی‌های ثوروی برپا بندند ، امپریالیستی‌های اروپائی را متحد خلقها قلندار کرده و امپریالیسم آمریکا را بی خطرتر از امپریالیسم ثوروی معرفی می‌کنند . رویزونیستی‌های سه‌جانبی خیانتکارانه به سازش و توطئه چینی علیه انقلاب در سراسر جهان مشغول بوده و به زانده امپریالیسم آمریکا تبدیل گشته اند . رویزونیستی‌های سه‌جانبی فرق ما هوی با سوسیال امپریالیستی‌های ثوروی نداشته و رهبری کمونی چین بر آنست که با برنامهای توسعه طلبانه اقتصادی و نظامی تا پایان قرن ، چین را بیک قدرت عمده سوسیال-امپریالیستی تبدیل کند و در این راه از هیچ گونه زد و بند و سازشی با امپریالیسم آمریکا ابا ندارد .

در کشور ما "حزب توده" مشخص ترین جریان رویزونیستی مدرن و نماینده سوسیال امپریالیسم ثوروی است . علاوه بر این ، جریان رویزونیستی مدرن در دوران حزب دموکرات گردستان و غیرمغیر "مارکسیست" دانستن خود و ادعای "دموکرات" بودنش دارای نفوذ و عملکردی رزومضی است ، "سازمان انقلابی" و "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر" و ... نماینده رویزونیسم نوع سه‌جانبی است . ولی بر ما است که با نگاه اجتماعی و نیروی عینی این جریان را توضیح داده و سیاست کمونیست‌ها را در مقابل آنها روشن نمائیم . در رابطه با این دو جریان ضد پرولتاری ما میان رهبری خیانتکار و قدرت طلب و توده هوا دار آگاه و فریب خورده دنیا لهر آنها ، فرق اساسی قائل هستیم . با مبارزه پیگیر علیه این سازمانهای ضد پرولتاری و مبارزه با سیاستها و نظرات ضد مارکسیستی-لنینیستی حاکم بر آنها است که توده هوا دار آگاه و تحت نفوذ نظرات آنها بعفوف نیروهای انقلابی خواهند پیوست .

نمایندگان بورژوازی در رهبری "حزب توده" تحت پوشش مارکسیسم-لنینیمم میکوشند با رخنه در جنبش پرولتاریا ، جنبش توده‌ای را به انحراف گشاده و نیروی توده‌ها را وسیله نیل به قدرت قرار دهند . آنها با سیاستهای پراگماتیستی و خائشانانه خود به انواع زده و بندها با هیئت حاکمه و ارتجاع خرده بورژوازی دست زده و میکوشند با مشاطه‌گری بورژوازی پرولتاریا را ایزا شده بورژوازی تبدیل کنند .

ایمان فرصت طلبانه تنها بدنبال فرصت‌هایی برای آنچنان تحولات احتمالی هستند که زمینه را برای تصرف دولتی توسط آنها (بهر و نیل شده و معمولاً "انقلابی‌های کاخی") فراهم کند . "سوسیالیسم" آنان هیچگونه قرابتی با سوسیالیسم پرولتاریا ندارند و دشنام هدف آنها و تلاش‌شان برای تصرف قدرت اینست که طبق تئوری "راه رشد غیرسرما به داری" کشور را به "کمک" ثوروی به سوی "سوسیالیسم" (بخوان وابستگی به سوسیال امپریالیسم) ببرند . رویزیسو-نیستی‌های سه‌جانبی نیز تحت پوشش عمده‌گی خطر سوسیال امپریالیسم به انواع توطئه‌های رذیله‌بر علیه انقلاب دست زده و عملیاتش یک دارودسته خدمتگزار و نوکر امپریالیسم و بورژوازی را بخود اختصاص داده اند . ایمن جریان‌ها رویزونیستی تحت پوشش "مارکسیسم-لنینیم" با تبلیغ سازش طبقاتی و نفی انقلاب خائشانانه در جهت انحراف جنبش زحمتکشان و تبدیل آن به ساز شده بورژوازی و سوسیال امپریالیسم تلاش میکنند ، از این دستون پنجم بورژوازی و سوسیال امپریالیسم در جنبش پرولتاریا هستند . این جریان‌ها رویزونیستی صفا اعضا و هوا داران خود را از طبقه از خرده-بورژوازی مرفه بوروکرات ، روشنفکران لیبرال و عناصر سرما به دار "طرفدار طبقه کارگر" (از نوع حزب توده‌ای آن) وارستو - کراسی کارگری و اقلیتی از کارگران نا آگاه برمیکشند . امروزه ما شاهد نفوذ سوسیال امپریالیسم و رویزونیسم سه‌جانبی بر رهبری بخشی از جنبش توده‌ای و پرولتاری در سطح جهانی هستیم . موضع کمونیست‌ها در مقابل این جریان‌ها رویزونیستی ، بویژه آنها که در جنبش توده‌ای و پرولتاری رخنه کرده اند چه باید باشد؟

۱- مبارزه با امپریالیسم و مبارزه در راه سوسیالیسم از مبارزه با بورژونیسم جداشنا پذیرا است . این یک قانون "عام" و "تئوریک" است و همچنانکه نقل قول لنین

در ابتدای مقاله نشان میدهد ، "اگر کسی بدون آنکه مسائل عام را حل کرده باشد درگیر مسائل جزئی گردد تا گزیرود هر قدم بدون آنکه خود تشخیص دهد با آن مسائل عام برخورد خواهد نمود . سیاستهای کبک که هر بار به آنها برخورد کوز داشته باشد محکوم به بدترین نوع نوسانهای وسیع اصولی‌هاست ."

۲- مبارزه با رویزونیسم از کانسال مبارزه با امپریالیسم میگذرد . مبارزه با رویزونیسم جدا از مبارزه ضد امپریالیستی‌هاست . مبارزه با امپریالیسم و رویزونیستی‌هاست . کمونیست‌ها باید به نحو خستگی نا پذیر خیاالت بیگنی رویزونیستی‌ها را افشا کرده و ردای فریب‌وروی "سوسیالیستی" را از پیگیر ما هیت بورژوازی آنان از هم بدرند . ما هیت ضد خلقی و وابستگی محتوم آنان را به سوسیال امپریالیسم و سازش با امپریالیستی‌های غربی به اعضا و هوا داران آنها و نیز توده‌ها نشان دهند . ما از این دیدگاه میانه وسطی که در مبارزه علیه این جریان‌ها رویزونیستی با اطلاق "وابستگی" و حتی "جاسوسی" سوسیال امپریالیسم نامیدن رهبران رویزونیست‌گرایان خود را ازها سنگینی به مسائل تئوریک و عملی ، خلاص میکند ، شدیداً پرهیز میکنیم . چنین دیدی نشان‌دهنده کوتاهی بینی است . این وابستگی در حلقه اول و اصولاً طبقاتی و آرمانی است . همه هما نگونه میکوشیم سرنوشته محتوم بورژوازی لیبرال خیاالت به انقلاب و سازش با ارتجاع و امپریالیسم است ، رویزونیستی‌های خائش به توده‌ها نیز که پوشش "سوسیالیستی" را بر روی ما هیت ضد پرولتاری خود کشیده اند ، برای کسب قدرت و حفظ خود در برابر قدرت‌های امپریالیستی راهی جز سازش با امپریالیسم و وابستگی به سوسیال امپریالیسم ندارند .

ادامه دارد...





بقیه از صفحه ۱

ارتجاع در سراسیمگی انفراد

ما عکس العملهای اعتراضی درون هیئت حاکمه که در ادامه روند خود همچنان به کنده شدن عناصر و جناحهای بیشتری از رژیم که با عملکردهای ارتجاعی آن به مخالفت برخاسته اند می-انجامد، قبل از آنکه از موضعی دموکراتیک و مترقیانه صورت گیرد، با زتاب تناقضات درونی سیستم حاکم بر جامعه می باشد. نظام سرمایه داری وابسته ایران بنا بر ماهیت انگلی خود بنا بر آنکه اساساً خارج از ضرورتها و نیازهای درونی جامعه، شکل گرفته و نهادهای خود را تحمیل کرده است، محتاج وجود دیکتاتوری است و از این رودلشی که نمی خواهد این نظام سرمایه داری وابسته را از بین ببرد، بلکه می خواهد آنرا حفظ کند، نمی تواند طیف وسیعی از عناصر فرود بورژوازی و لیبرال، مرتجع و سرسپرده را برای دبر زمانی دربرگیرد. و در برابر خود بنا بر این طیف تکاف خواهد افتاد. اگر اتحاد میان بورژوازی وابسته، بورژوازی لیبرال و فرود بورژوازی (چه مرتجع و چه غیر آن) در شکل گیری رژیم جدید زمانی می توانست تنها راه نجات حفظ سیستم موجود در ایران و دستیابی ببقای منافع امپریالیسم در باغی محدودتر و با ضروری پذیرتری کمتر باشد، امروز این اتحاد خود به خود پیش بدل شده و به صورت مانعی در مقابل ارائه یک سیاست کم و بیش انجام یافته و یک دست در زمینه های مختلف سیاسی - اقتصادی درآمده است.

رژیم کنونی با توجه به وجود جناحهای مختلف، چندگانگی قدرت و شیوه های گوناگونی که در برینا مبریزی اقتصادی - سیاسی در پیش گرفته میشود آشفتگی بزرگی را در دل خود جای داده است.

جنبش توده ها و تشدید بحران

از طرف دیگر روند مداوم آتاهای توده ها و اوج گیری جنبش توده های و اعتلای نویسن جنبش انقلابی که با بعد تازه ای از آن پیش رویمان قرار گرفته خود عامل نیرومندی در سردرگمی و نوسانات درونی هیئت حاکم گشته است، بطوریکه هر جناح برای خود سازی می زند و این را در متن استعفانامه دکترتسا می که پیوسته صحبت از عدم وجود یک سیاست واحد، عدم هماهنگی و عدم تجانس در برینا می هم های دولت می نماید، می توان بخوبی دید.

وقتی سخن از اختلافات و ناهماهنگی های درون هیئت حاکمه می رود، نباید توجه را شراک اساسی و عامل نیرومندی که در حال حاضر تمام جناحهای درونی رژیم را یکدیگر و در جهت حفظ سیستم سرمایه داری وابسته و منافع امپریالیسم پیوند می دهد، از یاد برد و نباید از یاد برد که با چنین پیوندی آنان در عملاً در مقابل خلق قرار دارند.

لیکن مطلب بر سر آنست که یک شیوه و یک روش با لایحه همگون در این زمینه وجود ندارد. اگر در رژیم شاه همه جناحهای هیئت

حاکمه بطور مستقیم و کم و بیش یکپارچه ای منافع امپریالیسم را می بودند، امروز با عملکردهای غیر مستقیم، نوسانی و ناهمگون نیز در جهت حفظ این منافع در درون هیئت حاکمه روبرو میباشیم. سیاستهای اقتصادی بورژوازی وابسته که خواهان حفظ مستقیم منافع امپریالیسم به گونه ای از رژیم شاه می باشد، طبیعتاً با شیوه ها و روشهای سیاسی جناح فرود بورژوازی و با طیفهای مختلف بورژوازی لیبرال در هیئت حاکمه متناقض است. اگرچه یک خط مشترک همه آنها را در چارچوب نظام سرمایه داری وابسته پیوند می دهد، در بیان این اختلافات نمیتوان مثال می توان از "ملی کردن بانکها" یا "بسیار تر بهتر دولتی کردن بانکها و برخی صنایع نام برد که گرچه در اساس وابستگی اقتصادی شنبیری ندا دلینک شیوه ای نبود که مورد پسند بورژوازی وابسته قرار گیرد.

راه حل های محکوم به شکست

در این میان راه حل های بینابینی و فرمیستی و اتوپیک عناصری از فرود بورژوازی نظیر دکترتسا می که بحال خود خواهان رفیقای وسیع در چارچوب حفظ نظام موجود می باشند از همه ضعیف تر بنظر میرسد. طرح "طب مللی" که از سوی دکترتسا می پیشنهاد شد مورد حملات ارتجاعی بورژوازی واقع گشت خود نمونهای است که نشان میدهد در بطن سیستم گنبدیده سرمایه داری وابسته ایران ارائه چنین تزه های تخیلی محکوم به شکستی اجباری است. دکترتسا می با طرح چنین تزه های تنها می خواهد تسکین موقتی برای اوضاع بحرانی جامعه بیابد، لیکن تجویز چنین در مانهای نیم بندی نه تنها از سوی جنبش انقلابی توده ها را ندهد میشود، بلکه بلحاظ ناخوانی و ناهمگاری آن با ملزومات و نیازهای سرمایه داری وابسته از سوی خود هیئت حاکمه نیز پس زده میشود. بی جهت نیست که چنین طرحهایی از جانب هیچ جناحی در هیئت حاکمه قویاً حمایت و پشتیبانی نمی گردد. البته این احتمال که بر اثر رشد بیشتر مبارزات توده ها و واگیری بیشتر جنبش انقلابی، رژیم به انجام املاکات و فرمهای وسیع تر در واقع عقب نشینی بیشتر دست زندگاملا وجود دارد، همچنانکه در مقابل قاطعیت و سرسختی انقلابی و دلیرانه خلق کرد عقب نشستی و یا با وجود عدم تمایل خود به "توراها" در حرف بدان تن داد. اما تاریخ نشان داده است که توده ها هرگز برای زمانی در از فریب نخواهند خورد، گرچه همین قدرت - نمایی خلق، رژیم را با زهم بعقب نشینی بیشتر وادار کند.

خطر همچنان باقیست

اما اگر امروز راه حل های اتوپیک، املاک طلبانه و بینابینی عناصری نظیر دکترتسا می با شکست مواجه گشته است و این نیروها از شرکت در کابینه دست می کشند، باید توجه داشت خطری که این نیروها در خوش باوری و در توهم گنبد داشتن مردم دارند، همچنان بر سر جای

خود باقیست. چرا که اگر تا دیروز اینان با توجه بسوابق و محبوبیت نسبی خود در بین مردم، با شرکت خود در کابینه توده ها را نسبت به دولت فدا نقلابی در خوش بینی نگه میداشتند امروز نقش خود را به نوع دیگری بازی میکنند: آنان در شرایطی که اعتماد و توهم توده ها نسبت به هیئت حاکمه در حال فرو ریختن است میتوانند با توجه به مخالفت ها می که با رژیم میکنند، در پیش توده های مبارز کسب اعتبار کنند و به عنوان جانشینان آینده رژیم کنونی بحساب آیند.

سخن بر سر نفی و انکار واقعیت اختلاف اینان با هیئت حاکمه نیست، بلکه مسئله آن است که توده های زحمتکش و مستعبد خلع مسا نسبت به ما هیئت واقعی اینان، سازشکاری و ناپیگیری شان واقف باشند و تجربه ای که یکبار با اتحادیه آیت الله خمینی و دیگر رهبران مذهبی جنبش انقلابی توده ها از سر گذرانند، دگر بار تکرار نشود. باید از دکترتسا می و امثال او که به مخالفت با سیاستهای ارتجاعی رژیم پرداخته اند پرسید، شما شایسته یاه "سنگرمبارزاتی" خود را به دل کابینه ضد انقلابی آقای بازرگان و رژیم بریدید که عملکردهای ضد خلقی آن اگر نه برای توده های وسیع حداقل برای نیروهای آگاه و دموکرات دیگر روشن شده بود. شما با پذیرش رهبری آیت الله خمینی که سیاست و موضع واقعی خود را با صراحت و بارها تا کنون اعلام داشته است و با تکیه بسیار بر آن (۱) پذیرش سیاستهای ارتجاعی و ضد خلقی هیئت حاکمه، پذیرش جنایات رژیم در کردستان، خوزستان، انزلی و... و حتی انتقاد به شیوه های بظا هر مردم پسنده رژیم از موضعی کاملاً بورژوازی (۲) در واقع بهمان "سنگرمبارزاتی" خود نیز پشت گردید و اکنون که به اعتبار واگیری دوباره مبارزات توده ها، عمق و وسعت بحران روشن شدن عمل کرده های ضد خلقی رژیم بسبب آن وسیعی در نزد مردم، موقعیت رژیم روز بروز ضعیف تر شده و اعتبار آن در نزد توده ها روبه افول می رود صحبت از ضعیف تر شدن مبارزاتی می نمائید. (۳) آیا سازشکار رهبران مذهبی با بورژوازی لیبرال و وابسته و در واقع سازشکار آنها با امپریالیسم در همان بطن قیام برای درک ماهیت واقعی میوه چینی انقلاب کافی نبود و حتماً شما می بایست در عملکردهای فدا نقلابی و ضد خلقی که از سوی رژیم در طی ۸ ماه گذشته اعمال شده است، شرکت می کردید تا سرانجام بعد از این مدت زمان طولانی درک کنید که "سنگرمبارزاتی" خود را در کجا بنا کنید؟ و آیا این جز لرز و ناپیگیری آشکار شما را به آنچه اعدا دارید، نشان می دهد؟ و آیا توده های ما با تجربه کردن شما در عمل به این "سنگرمبارزاتی" به دیده تردید و مشروط نگاه نخواهند کرد؟ و نخواهند گفت که این چگونه "سنگرمبارزاتی" که ۸ ماه تمام در خدمت دشمنان ما قرار داشته است؟! بقیه در صفحه ۱۲

(۱) : "تنها راه نجات انقلاب، نگاه داشتن امام در میان مردم است تا اینان از خواستهای



## یاد کاک فواد، پیشمرگه کبیر، همواره به قاب خاطره‌ها باقیست

گزارشی از مراسم بزرگداشت رفیق شهید فواد مصطفی سلطانی

روز پنجشنبه ۵۸/۸/۱۰ بمنوای بزرگداشت یاد دوره رفیق شهید فواد مصطفی سلطانی عضو کادر مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشان کرد - ستان و سایر شهدای خلق کرد و نیز تحکیم پیوند مبارزات جنبش دانشجویی و زحمتکشان سراسر ایران، مراسمی به همت دانشجویان مبارز، طرفداران آزادی طبقه کارگر، و سایر شرکت‌هزاران نفعی از دستداران و پشتیبانان خلق کردند و سایر خلقهای تحت‌تسم ایران در سالن ورزشی دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد.

شویری بزرگ و مرادانه کاک فواد در متن سخن هچنان در او، بالای تریبون و پلاکاردها شای باضمون: جوادان با دغا طره رفیق فواد سلطانی، شهید بزرگ خلق کرد - مبارزات خلق کرد، تا دم میارزه‌ها میریالیستی، ضد ارتجاعی خلقهای ایران است - هیئت خاکسه با کتک خراش کرد، ماهیت مدخلی خود را نشان داده است... به سالن شگوه‌ها می‌داده بود. در ابتدای مراسم جمعیت به احترام رفیق فواد دود بگوشه‌ها بپاشید و یک دقیقه سکوت کرد. پس از آن سرود (شرفیاب) بوسیله گروه کر خوانده شد و جمعیت آنرا همراهی نمود. سپس پیام دانشجویان مبارز خوانده شد که در زیر قسمت‌هایی از آنرا ملاحظه میکنید:

«دوستان، رفقا!  
امروز ما در اینجا آمده ایم تا خاطره رفیقی را باس داریم که نامش پیوسته در تاریخ خلق کرد و زحمتکشان سراسر ایران جاودانه خواهد ماند... فواد با خلق ضدیت کرده و در اتحادیه‌های دهقانی زنده است، فواد در راه - بیماری اعتراضی زحمتکشان مریوان زنده است، تا به میریالیسم و ارتجاع هتداه دهد که خلق هچنان می‌زند... فواد در راه - کوره‌های کردستان میتوان شناخت هنگامیکه کتک‌ورزی میگوید: "اگر میشد هر سه پسر مرا می‌دادم فواد را پس میگویم تمام!"... امروز بی‌پهنه‌گرد - ستان برچم خونین مبارزات ضد میریالیستی - ضد ارتجاعی به همت از درآمد، و بزودی آنرا دیگر خلقها در سراسر بی‌پهنه ایران می‌گشایند، زمانی که خلق کرد، دیگر زحمتکشان را در کنار خود خواهد یافت و خشم خلق سراسر بی‌پهنان را فراگیرد و سرشودت دیگر محکومین تاریخ را تقدیم این مرتجعین کرده و درس عبرت تاریخ را به آنان می‌آموزد».

بعد از آن، پیام سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران به دانشجویان مبارز خوانده شد که در زیر قسمت‌هایی از آن را می‌آوریم:

«هر شب ستاره‌ای به زمین میکشند و باز این آسمان غمزده فرق ستاره‌هاست هم بی‌پهنان مبارز!

درست دو ماهه نیم از هجوم اشغالگران برتجع به کردستان می‌گذرد. دو ماهه ونیمی که تعیین کننده در زندگی خلق کرد و سایر خلقهای ایرانست... یکی از فرزندان

دلبر خلق کرد کاک فواد بود که سالها با رژیم چنان بیکار و پهلوی مبارزه کرد، و مدت چهار سال در زندانهای مختلف (از سال ۵۷ - ۵۳) به مبارزه ادامه داد. کاک فواد از بنیانگذاران سازمان ما بود، پیوند و مبارزه شده‌ها باعث شده بود که همیشه بتواند تحلیل‌های مشخصی از شرایط مبارزه را بدهد، که نقش ارزنده او را در مبارزه طبقاتی و ملی ایران مشخص می‌نمود و همیشه سعی داشت شیوه‌های مبارزه را از کارگران و دهقانان فراگیرد. کاک فواد شرکت فعالی در جمعیت‌های تجارب مبارزات دهقانان مریوان داشت که بر اساس این جمعیت‌ها بود که ساختار تشکیل اتحادیه‌های دهقانی و ایجاد نیروهای پیشمرگه برای اتحادیه‌ها از طرف سازمان زحمتکشان مطرح شد. او زندگی را وقف انقلاب یعنی امرتوده‌ها کرده بود و در این راه جانش را فدا کرد. در جریان جنگ وقتی چند رفیق عضو سازمان در مریوان اعدام شدند و فساد شدیدی روی پیش - ترکه‌ها وارد شده بود، در نتیجه این عوامل تشکیلات مریوان انجام سابق را از دست داده بود، کاک فواد برای شکل دادن به مبارزه شده‌ها راهی مریوان شد، و در برکت روز ششم شهریور ۵۸ وقتی از مریوان عازم بانه بود در نزدیکی پاسگاه نظام مریوان - سقز - بانه همراه چند نفر از همزمانش به محاصره افتاد و بعد از حدود ۲ ساعت مقاومت و کشتن بیش از ۲۵ نفر از پاسداران و جاشهای محلی بالاخره بوسیله گلوله کالیبر ۵۶ که از هلیکوپتر شلیک شده شهادت رسید، بعد از شهادت کاک فواد با وجود ضربات متعددی که ما بدشمن وارد آوردیم و بمباران فانتوم‌ها و پروتابل راکت بوسیله هلیکوپترهای دشمن هیچکدام از رفقای ما کشته نشده‌اند و تنها چند نفر از پیشمرگه‌های سازمان زخم سطحی برداشته‌اند. ما را شهید فواد و سایر شهدای خلق کرد و خلقهای ایران را ادامه میدهم و بقول انقلابی کبیر رفیق هوشی مین: "ما از مرگ نمی‌هراسیم، چون برنج‌زارهای "چه‌ها" هراسال درویشی‌سیم و سال دیگر برپا رتری رویش».

سومین پیام، پیام خانواده شهید عزتی بود و سپس پیام گروهی از کارگران دازو پخش و بعد پیام دانشجویان پیشگام قرائت گردید و به دنبال آن پیام پرسنل انقلابی نیروهای مسلح (افسران نیروی دریایی) خوانده شد.

آنگاه کارگران بیکار طی پیامی پشتیبانی خود را از مبارزات حق طلبانه خلق کرد اعلام کردند و پس از آن پیام جمعیت‌های مختلف مرکز خوانده شد. در این روزها می‌توانیم همبستگی زیادی و اصل شده بگذرانیم آنها اکتفا میشود. در قواصل قرائت پیامها سرود - های انقلابی بوسیله گروهی که به اجرا درآمد، با برپا ماها عبارتند از:

- ۱ - پیام پیشمرگان کومله مریوان
- ۲ - گروهی از کارگران چیت ساری شهزاد
- ۳ - گروهی از کارگران شیشه‌سازی مینا
- ۴ - گروهی از کارگران تولید دارو
- ۵ - کارگران بیکار رمتوساک
- ۶ - گروهی از کارگران اکباتان
- ۷ - گروهی از کارگران استارلابت
- ۸ - مبارزین آزادی طبقه کارگر
- ۹ - گروه کار
- ۱۰ - جبهه دموکراتیک ملی ایران
- ۱۱ - کانون دیپلمه‌های تهران
- ۱۲ - کتای بفروران کناریان، هوا و رچریک - های فدائی خلق
- ۱۳ - دانش‌آموزان مبارز
- ۱۴ - اتحادیه انقلابی دانش‌آموزان ایران (شنبه سرخ)
- ۱۵ - گروهی از جوانان محله دولت‌آباد
- ۱۶ - اتحادیه دانشجویان ایرانی در سوئد (طرفداران آزادی طبقه کارگر)
- ۱۷ - گروه بررسی مسائل آذربایجان
- ۱۸ - کانون فرهنگی خلق عرب

و.....

در پایان مراسم رفیق دربار مبارزات ملی و طبقاتی کردستان از گذشته تا امروز و وضعیت نیروهای سیاسی موجود در منطقه سخنرانی کرد و ضمن آن به سابقه مبارزاتی شیخ عزالدین حسینی از زمان قاضی محمد تا امروز و به خصوص مقاومت دلیرانه اش در مبارزه علیه رژیم ضد خلقی حاکم پرداخت.

پس از سخنرانی، سرود (شرفیاب) با همراهی انبوه جمعیت حاضر در سالن خوانده شد، و جمعیت در حالیکه شعار میداد: "خلق کرد می‌زند، ارتجاع می‌لرزد"، مدتی تا بسود است، خلق عرب پیرو است"، "جلال تل زعتر، جلال خلق ما شد"، "مصطفی چمران، فالانزیست لبنان، اعدام با بدگردد"، "انزلی، کردستان، بی‌پوندتان مبارک"، "تا همه توده‌ها ست، حسینی رهبر ما ست"، "رهبری کارگر، خنجر ره پیروزی"، "ارتجاع، ارتجاع، مرگ به شیرنگ تو، خون شهیدان کرد می‌چکد از چنگ تو" و... سالن را ترک میکرد...

### بقیه از صفحه ۱۱

#### ارتجاع در ...

مردم بدون واسطه مطلع شوند و... از نامه دکتر ساسی به بازرگان -

(۲): "... و در برابر اقدام بی‌مصلحت افزایش حداقل دستمزد، مراکز تولیدی و خدماتی را مواجعه با مشکل جدید کرده‌اند و هم‌آنان در کلیه شئون اقتصادی کشور مشهود است" از نامه دکتر ساسی به بازرگان.

(۳): "از آنجایی که بارها مورد سوال و انتقاد واقع شده‌ایم که با توجه به پیش‌بینی مکتبی چگونه جا ما با دولتی غیر انقلابی همکاری کرده... به تجزیه و تحلیل نشستم و بدین نتیجه رسیدیم که به‌باید آن غشود اعلام تماخیم که سنگر مبارزه خود را بر میان مردم بی‌اورنه... از بی‌پهنه (جاما) به مسائیت استعماری دکتر ساسی..."



## جنبش دهقانی

### روستائیان آمل همچنان برای گرفتن زمین مبارزه می کنند

پس از گذشت هشت ماه از قیام خونین بهمن ، دهقانانی زمین و کم زمین برای کسب حقوق خود همچنان مبارزه میکنند . روستاهای ایران اکنون به عرصه مبارزه طبقاتی توده زحمتکش روستا از یکطرف و مالکین ، زمینداران و دولت حامی آنها از طرف دیگر ، تبدیل شده است . حل قطعی مسئله ارضی در ایران همچنان در دستور انقلاب قرار دارد .

سازرات دهقانان " کلیکان " و " کلامطه " از توابع آمل ، نمونه کوچکی است از آن مبارزه ای که در سرتاسر روستاهای ایران جریان دارد .

" اطلاعات ارضی " شاه در این روستاها طوری صورت گرفت که بهترین و بهترین زمینها در دست عده معدودی ( احمدی و یوسفی ) بقیمت فقر و محرومیت اکثریت روستائیان قرار گرفت . بدنبال انقلاب خونینی که سر پایه فداکاری و ایثار زحمتکشان صورت گرفت ، دهقانان این دو روستا نیز همچون دیگر زحمتکشان ، انتظار داشتند که به حقوق از دست رفته خود خواهند رسید . لکن جریان زندگی خیلی زود نشان داد که اینطور نیست و میوه های آن درختی را که با خون زحمتکشان آبپاری شده ، با زهم همان زمین - داران و سرمایه داران ( کپرم که اینستار با ریش و سیخ ) می چینند و نشان داد که

مبارزه آنها تا زمانیکه خود قدرت دولتی را بدست نگرفته اند همچنان ادامه خواهد داشت . همانطور که اکنون ادامه دارد .

روستائیان زحمتکش این دو روستا خیلی زود در یافتند که نباید دست روی دست گذاشت . آنها بارها از طریق کمیته امام ، دادگاه و دفتر امام در قم خواهان حقوق از دست رفته خود شدند ، لیکن نه تنها کوچکترین توجهی به خواسته های آنان نشد ، بلکه با اقداماتی که زمیندار بزرگ محل ( احمدی ) کرده بود ، مورد لعن و نفرین و تهدید روحانی معروف شهر قرار گرفتند .

دهقانان که از راههای قانونی به نتیجه نرسیده بودند ، در روز ۵۸/۵/۱۷ خود زمینها را بتصرف درآورده و شخم میزنند . ولی هنوز دو روز از تصرف زمینها نگذشته بود که احمدی ( زمیندار ) با هفتاد نفر چماق - بدست مزدور که برخی نیز مسلح بودند ، به روستائیان حمله برده و عده ای را زخمی و خراکتور آنها را نیز به آتش میکشند .

دهقانان که در مقابل ایلحه مزدوران قادر به مقاومت نبودند به شهر آمده و خواستار اعزام پاسدار بروستا میشوند . سران کمیته که ابتدا مخالف اعزام پاسدار بودند تحت فشار روستائیان تعدادی پاسدار بسزای رسیدگی به ماجرا میفرستند که طی یک

درگیری کوتاه ده تن از چماقداران دستگیر و بقیه متواری میشوند .

از آن روز به بعد همه روزه مردم برای پیگیری موضوع و محاکمه احمدی ها و چماق - داران تن به شهر می آمدند . ولی پس از دوروز که دو تن از دهقانان برای پیگیری مسئله به دادگاه رفته بودند از طرف پاسداران بازداشت میشوند . که یکی از آنها بعد از ۱۸ روز و دیگری پس از ۴۰ روز از زندان آزاد میشوند! جالب اینکه از باندا احمدی به جز یک نفر بقیه به کمک زد و بوند با کمیته چی ها و دادگاه " انقلاب " آزاد و همچنان به شوطه علیه دهقانان ادامه می - دهند . در پی این واقعه روز شنبه ۵۸/۸/۵ دهقانان دست به یک راهپیمایی در شهر میزنند . بر روی بلاکاردهائی که حمل میکردند از جمله نوشته شده بود : " چرا دادستان انقلاب از منافع فئودالها و زمینداران دفاع میکند " ، " کار برای کارگر ، زمین برای بزرگ " و " نصرت و قدرت احمدی مردم بی دفاع قریه کلیکان را به گلوله بختند و اموال مردم ده را به آتش کشیدند و باعث نقص عضو شدند . ما خواهان مجازات این عناصر فدا انقلابی هستیم " . ۲۰۰۰ این روز ماداف بود با تحصن دیپلمه های بیکار که طی آن دهقانان و دیپلمه ها همبستگی خود را با یکدیگر اعلام کردند .

گرچه فردای همانروز دهقانان با مراجعه به فرمانداری و ملاقات با فرماندار نتوانستند نتیجه ای بگیرند و به بازگشتند لکن همگی آنها معتمد که تا رسیدن به خواست - های خود متحداً مبارزه کنند .

ما را برای جنگ بر علیه برادران ماسی - فرستند با به پیشمرگان پناهنده می شویم و با به ترکیه و عراق ، و جانشین هم مبارک اربابان باشد .

" هرچه گسترده تر با دسبازات حق طلبانه زحمتکشان و خلقهای تحت تسلیم ما "



### ( بنقل از ضمیمه محلی پیکار - کمیته آذربایجان )

دهقانان بُه خانه هایشان تیراندازی کنند و اینکار هم شد . در این تیراندازی هیچ کس کشته نشد ولی آسیبهایی به درو پنجره خانه های کتا ورزان وارد شد ، در این روز بعد از تیراندازی ( ۵۸/۷/۱۷ ) سید موسی ( جاش ) با تفرقه اندازی اتحاد عمل روستائیان را از بین میبرد و با ایجاد چنددستگی در میان آنان ، بعضی از آنان به جانشین تن درمی دهند .

دهقانان زحمتکش وقتی می بینند که دولت ضد خلقی هم از اربابان پشتیبانی میکند مسلم روزی با اتحاد خویش هرا ربایی را بیرون و نابود خواهند کرد . البته این افراد که با زور قرار است به جنگ علیه انقلابیون و خلق کرد که برای آزادی خود - مختاری میجنگند ، بزودت میگویند که غیر - ممکن است ما جنگ بکنیم ، هروقت دیدیم که

### گزارشی از روستای راژان

بالاخره " سید موسی کیلانی زاده " ارباب روستای " راژان " ( واز عاملین قباده موقت و در آخر از رهبران جاشها ) موفق شد که با خبله و زور و اعمال فشار ، دهقانان زحمتکش روستای راژان را به جانشین وادارد .

دهقانان هر چند از اینکار در اوایل سرپیچی کردند ( برای دانستن کامل موضوع به ضمیمه محلی پیکار شماره ۲۴ مراجعه کنید ) و برای اعتراض ، در تاریخ ۵۸/۷/۹ به استانداری مراجعه کردند ولی استاندار آنها را بنجواب گذاشت . بگفته بعد از اولین اعتراض سید موسی دوباره از دهقانان میخواهد که بیایند جانشین و ولی دهقانان باز از اینکار سر - پیچی میکنند و سید موسی نیز بیکار نمی - نشیند و در شب ۵۸/۷/۱۶ به نوکرانش و جاشهای " رشید بک " ( یکی از اربابان محال مرکور ) دستور میدهد که برای ترساندن

## کار برای کارگران ، زمین برای دهقانان







## چشمش گاوگری کارگران بیکار شده شرکت هلیکوپتر سازی G-H-P اصفهان برای کسب حقوق خود مبارزه می کنند

در ساعت ۴/۵ نمایندگان کارگران شرکت G-H-P و نمایندگان کارگران بیکار اصفهان برای مذاکره به داخل اداره کسار رفتند ولی در اداره کارقسط حاضر به پذیرفتن سه تن از آنها شدند که البته با مخالفت کارگران روبرو شد. ولی پس از مدتی بالاخره بر روی ۴ نفر توافق شد و آنها بعنوان نماینده کارگران با مسئولین اداره کسار به مذاکره پرداختند و پس از یک ساعت که مراجعت کردند یکی از آنها گفت ما خواست- ه ایمان راه اداره کار دادیم و قرار شده است که روز یکشنبه (۵۸/۸/۱۳) بما جواب بدهند. او سپس گفت: ما برای اینکه دست امیربالیسینها را قطع کنیم و مستشاران آنها را اخراج کنیم و قوانین آنها را از بین ببریم انقلاب کردیم و ما بودیم که یک شرکت آمریکایی را تعطیل کردیم و حالا هم باید خواستهای ما برآورده شود و آنها عمارتند از اینکه تمام کارگرانی که در این شرکت کار کرده اند چه قدیمی ها و چه جدیدی ها، چه بازنشسته ها و چه استعفا داده ها باید حق بیکاری بگیرند. و همچنین دفترچه های بیمه مجدداً تمدید شود و هنگامیکه شرکت شروع بکار کرد نمایندگان کارگران باشند که کارگران را استخدام نمایند. پس از اتمام صحبت نماینده کارگران چند نفر از کارگران به نماینده اعتراض کردند که چرا نگفتی باید برای ما کار نامین کنند؟ و ام که کار نمیشود، و ام که ما بگیرییم بعد از یکی دو ماه تمام میشود و باز باید اینجا جمع شویم... پس از مفاداری بحث کارگران متفرق شدند.

آنچه که در این اجتماع کارگران کا ملا توی چشم میزد، عدم شکل و بی برنامگی آنها بود. خوبی معلوم بود که کارگران قبلاً در مورد خواستهایشان با یکدیگر صحبت نکرده و به نتیجه واحدی نرسیده اند. به همین دلیل هم به نمایندگان خودشان معترض میشوند (بدرستی که) "وام که کسار نمیشود" و با این عدم شکل و بی برنامگی و عدم انتخاب کارگران مبارز و سازش- ناپذیر بعنوان نماینده کارگران بیکار G-H-P و کلاً کارگران بیکار اصفهان که در واقع این صف ها در بین آنها عمومیت دارد، قادر نخواهند شد حقوق باعمال شده خود را بدست بیاورند. اکنون اکثر نمایندگان کارگران بیکار، سازشکارانی هستند که فقط فکر مسائل شخصی خودشان هستند و نه مسائل کارگران.

حدود سه هزار نفر از کارگران این شرکت بیکار شده اند. این شرکت متعلق به آمریکایی هاست که هنگام قیام از ایران فرار کرده اند. اغلب کارگران حدود ۱۱ ماه است که بیکارند و اکثریت آنها ۲ تا ۳ ماه بیشتر وام بیکاری نگرفته اند. دفترچه های بیمه آنها را هم ستازگی بسته اند و امکان استفاده از آنها نیست.

چندی پیش اداره کار با آنها قرار دادی گذاشت. در روز سه شنبه ۵۸/۸/۸ که نماینده شان را به اداره کار بفرستند تا در مورد مسائلشان گفتگو کنند. در روز مذکور حدود ۴۵۰ کارگر همراه نماینده شان به جلوی اداره کار رفتند و در ساعت ۲ بعد از ظهر در آنجا اجتماع کرده و پنج نفر دیگر را انتخاب کردند که همراه آنها نماینده شان با مقامات وزارت کار مذاکره کنند و در واقع نمایندگان نشان ۶ نفر شدند. ۵ نفر هم از نمایندگان کارگران بیکار اصفهان به آن ۶ نفر پیوستند و مجموعاً ۱۱ نفر برای مذاکره با مسئولین اداره کار آماده شدند. تا در ساعت ۴/۵ به مذاکره بپردازند. در این هنگام چند نفر از کارگران یکی پس از دیگری به صحبت پرداختند. از جمله یکی از آنها اظهار داشت: موقع انقلاب ما بودیم که اعتصاب کردیم و بعد که کارخانه را بستند ما بودیم که کشته دادیم و نظاهرات کردیم. کجا ما ضد انقلاب است که موبدیی (رئیس اداره کار اصفهان) میگوید ما ضد انقلاب هستیم. ما ضد انقلاب نیستیم، ما کار می خواهیم. یکی دیگر از کارگران، بروجردی استاندار اصفهان را اقتدار کرد که به بازرگان گفته بود: "آقا ما اصلاً کارگر بیکار نداریم. و در ادامه صحبت ها پیش گفت که اگر اداره کار به خواستهای ما رسیدگی نکند به قم میرویم و در محضر حضرت معصومه متحن میشویم تا به خواستهایمان رسیدگی شود. اما اینکه یکی از رفقای ما میگوید ما بر طبق قانون حقمان را خواهیم گرفت (اشاره به صحبت یکی از کارگران) باید پرسید کدام قانون؟ اگر قانون، قانون شاه خائن باشد که ما تا مد سال دیگر هم به خواستهایمان نخواهیم رسید. ما انقلاب کردیم که رژیم شاه را با کلیه قانونهایش از بین ببریم. اگر میخواهیم که قوانینش اجرا شود پس وضع چه فرقی کرده است. در اینجا کارگری که گفته بود طبق قانون باید حقمان را بدهند، حرف خود را تصحیح کرده و گفت من هم قانون کار را قبول ندارم.

نمایندگان شورا های ۱۵ کارخانه دیگر (شورای متحد) تشکیل می دهند تا برای مبارزه با سرمایه داران، بدون صلاح (که همان سازماندهی و شکل آنهاست) نیاخذند. لازم به تذکر است که بخش وسیع غیر دستگیری کارگران مبارز "تخ زبین" سهم بزمایشی درسیج و جلب حمایت کارگران دیگر داشت.

### اعتصاب کارگران تخلیه و بارگیری در بندر خمینی

در تاریخ ۲۹/۷ کارگران تخلیه و بارگیری بیمه نگاریهای این بندر برای گرفتن خواست- هایی که چند ماه پیش برای آن دست به اعتصاب و راهپیمایی زده بودند مجدداً اعتصاب کرده و خواستار پاسخگویی به خواسته هایشان میگردد. ابتدا کارگران لرمسار درت به اعتصاب میکنند و کارگران کرد- که توسط بیمه نگاریها تهدید شده بودند که در صورت دست زدن به اعتصاب به اعدام داخل درو قایح گردستان اخراج و زندانی خواهند شد- در ابتدا از بیوستن به رفقای خود، خودداری میکنند.

از این اختلاف وعدم بیکارچگی یکی از جاوسان و عمال بیمه نگاری "جانعلی" سو استفاده کرده کارگران لرم را علیه آن عده از کارگران کرده که مشغول کار بودند، تحریک میکنند و از این طریق میکوشد حرکت اعتصابی کارگران را به شکست بکشانند. ولی با هوشیاری عده ای از افراد آگاه، این توطئه خشن و افشای میگردد. و سپس با توضیحاتی به کارگران کرد آنها نیز به صف برادران خود می پیوندند.

اعتصاب عمومی کارگران تخلیه و بار- گیری یک روز طول کشید ولی با تهدید و فریب و وعده، کارگران به سرکارها زگشتند. اصلی- ترین خواست کارگران همچون عده کثیری از زحمتکشان میهنان "مسکن" بود که بخصوص با فرارسیدن فصل پائیز نیازش ده چندان میشود. اگر چه اعتصاب شکست و اعتراض فرونشست ولی چون خواسته بحق و شدیداً مورد لزوم کارگران برآورده نشد کارگران مجدداً به حرکت اعتراضی دست خواهند زد. بد نیست در اینجا به ضعف های اصولی که منجر به شکست اعتصاب شد اشاره شود.

۱- کمبود آگاهی طبقاتی بین کارگران و نیز کمبود تجربه مبارزاتی تا بتوانند دوست و دشمن را از یکدیگر بخواهی باز شناخته بدام توطئه های عمال کارفرما نیفتند.

۲- نداشتن تشکیلات و نمایندگان واقعی تا بتوانند در مقابل کارفرما با بایستند.

# فان ، مسکن ، آزادی



## شکست بغاظر عدم تشکل و آگاهی

### سربندر

حدود ۷۰ - ۶۰ نفر از کارگران روز مزد شرکت "ویلیام براون" پیمانکار خانه‌های سازمانی اداره بندر و کشتیرانی (بندر شاهپور سابق) بعنوان اعتراض به افزایش ساعات کار با مزد ثابت، در روز ۲/۲۸ دست به اعتصاب میزنند. در این روز حمله عوامل کارفرما برای به شکست کشاندن اعتصابی نتیجه می‌ماند. فردا کارگران فنی نیز با خطر افزایش دستمزد به دیگر رفقای خودی پیوندند. بناچار نه‌رسانی رئیس شرکت مستقیماً داخلت کرده و وقتی پس از تهدیدها بی‌که‌کردمورد اعتراضی‌جا‌عانه کارگران قرار گرفت، با منت به بیستی یکی از کارگران کوبید و کارگران هم در عوض این رفتار بیشتر مانده‌اش کتک مطلق به او زدند و پس از رساندن دوست خود به بیمارستان و گرفتن حق استراحت برای او از "شهرانی" به کمیته شکایت کردند. ولی پرواض بود که کمیته به خواست آنان رسیدگی نخواهد کرد. اما کارگران مجدداً بی توجه به ماهیت یکسان کمیته و زاندارمری، به زاندارمری رفته و در آنجا شکایت میکنند که آنها هم هیچ توجهی نگرفته و قرار می‌شود تنها میلی نایب به کارگر مجروح پرداخته شود!

ندانستن تشکیلات سازماندهی آگاهی طبقاتی و سابقه مبارزاتی، موجب شد علیرغم اینکه دستمزد کارگران بسیار کم است - روزانه ۶۵۰ ریال بدون هیچگونه مزایای دیگر از قبیل مسکن، بهداشت، و سیاه‌نقلیه .... اعتبار بدون نتیجه به پایان برسد در ضمن قبل و در حین اعتصاب هیچگونه کارآگاه‌گرانه در بین کارگران نشد و حرکتی که بطور خود - بخودی شروع شده بود پس از اینکه از شور اولیه آن کاسته شد و با فریب و تهدید و درگیری مواجه شد، به بن بست رسید. ■



### کمیته ضد کارگری

#### شرکت نفت گچساران منحل شد

کمیته ضد کارگری شرکت نفت که از عده - ای جاسوس و مزدور و فرصت طلب تشکیل شده بود از طرف هیئت نظارت شورا های کارگاهی کار - کران منحل شد. خبر رسیده حاکی است که کار این کمیته شناسایی کارگران مبارز و تهیه لیستی از آنان بوده است.

چیز دیگری که در کنار اجتماع کارگری جلب توجه میکرد وجود کمیته‌چی‌ها بود که کار ماواک را بعهده گرفته و کوشش میکردند کارگران فعال را شناسایی کنند (و لاسد مانند ناصر سونقیان نماینده مبارز کارگر - ان بیکار امضاها آنها را ترور کنند) و برای این کار حتی از گرفتن عکس آنها نیز با نجا گوناگون ابا نمیکردند.

## تشکیل "شورای کارگران بیکار پروژه ای و فصلی" گچساران

طبق اطلاعیه‌ای که قبلاً از طرف عده ای از کارگران بیکار گچساران منتشر شده بود صبح روز سه شنبه ۵۸/۷/۱۷ از کارگران بیکار برای بوجود آوردن تشکل و انتخاب نماینده دعوت بعمل آمده بودند در پارک شهر جمع شوند. در ساعت ۸ و ۱/۲ روز سه شنبه گروهی از کارگران بیکار جمع شدند.

ابتدا تعدادی از رفقای کارگر را جمع به ضرورت تشکیل شورا یا سندیکای واقعی کارگری صحبت کردند و سپس یکی دیگر از رفقا در مورد خصوصیات یک نماینده واقعی صحبت کرد و در لابلای صحبتها بحث به مسائل مبتلابه کارگران از جمله بیکاری و گران شدن، ... اشاراتی بعمل آورد. سپس ۱۰ نفر از کارگران خود را برای نمایندگی کاندید کردند. انتخابات با رای مخفی و بطور مستقیم و با حضور نماینده وزارت کار صورت گرفت. پس از پایان رای گیری و زمانیکه هیئت نظارت بهمراه نماینده وزارت کار مشغول شمارش آراء بودند، نماینده سپاه پاسداران حجت الاسلام حجازی به جلسه آمده و سر خود بدون دعوت کسی شروع به سخنرانی کرد و در خلال بحث مسئله ثوروی و چین و مسائل دیگری که املا ربطی به جلسه نداشت، مورد اشارات و کنایات ایشان قرار گرفت. پس از این سخنبراکتی چندتن از کارگران هم صحبت کردند. یکی از آنها که از فرط فشار زندگی هنگام صحبت به گریه افتاد، گفت: "من دیگر روند را به خونه پیش زن و بچه ام بروم. ما عتم را فروختم، هیچ ندارم و رفتم تهران بمن کاغذ دادند و ما فرستادند صدوق بیکاری که رئیس آنجا مرا بیرون کرد... نماینده پاسداران با لبخند بی تفاوت و غاموش به کارگران نگاه میکرد، که یکی از کارگران با خشم فراوان به او پورید، که: مرد خدا بی! کارگر داره گریه می‌کنه در عوض تو می‌خندی! که تمام کارگران بلند شده و با عصا نیت بریر حجت الاسلام فریاد می‌زدند. که: این چه وضعیه؟ مدتهاست که بیکاریم و هیچکس بداد. ما نمی‌رسد! انقلاب کردیم که وضعمان بهتر شود ولی بدتر شد..."

جلسه بهم خورد و کارگران دسته دسته جمع شده و شروع به درددل برای هم کردند. آنها که با تجربه تر بودند و هیئت حاکمه را بهتر می‌شناختند برای بقیه علل دردها را و علت بیکاری را می‌شکافتند و در این هنگام برخی از سپاه پاسداران که در میان کارگران رفته بودند تلاش می‌کردند تا از موقعیت عشره‌ای و قومی منطفه استفاده کرده و کارگران را دسته دسته کرده اتحاد و تشکل آنها را بهم بریزند. که این عمل تفرقه افکنانه آنها از طرف چند کارگر آگاه افشا شد. و آنها با زهم نتوانستند به نقشه ضد کارگری خود جامه عمل بپوشانند.

یکی از اعضای سپاه پاسداران تلاش کرد بعنوان آخرین حربه از شیوه معمول و مرسوم کل هیئت حاکمه در جهت تفرقه کارگران استفاده کند. او گفت: یک عده مارکسیست جمع شده‌اند و می‌خواهند شورا را ببنند! این حرف مورد تهاجم شدید کارگران قرار گرفت و کارگران با هجوم خود او را خاموش کردند. و در جوابش اظهار داشتند که ما می‌دانیم که چگونه کارها بمان را پیش ببریم و بهیچکس مربوط نیست. پس از نیم ساعت دوباره کارگران جمع شدند و به اعلام نتیجه رای گیری گوش دادند. نتیجه توسط نماینده وزارت کار خوانده شد و بدین ترتیب "شورای کارگران بیکار و پروژه ای و فصلی" گچساران ایجاد شد.

کارگران در این تجمع علاوه بر اینکه تشکیلات حداقلی را برای پیگیری مبارزه متحد و متشکل خود بوجود آوردند، ضمناً دشمنان طبقاتی خود را بیش از پیش شناختند. آنها که هنوز نسبت به روحانی‌هایی چون حجت الاسلام حجازی‌ها ... امید داشتند، بوضوح و در تجربه عملی خود دریا فتنه‌ده فقط با پستی به نیروی متحد خود و تشکل مستقل خود تکیه کنند تا بتوانند حقوق حقه خود را از دشمنانشان که ضمناً قدرت را هم قبضه کرده‌اند بازستانند.

حق بیمه بیکاری "هم حق کارگران بیکار است، هم حق کارگران شاغل"



اعلامیه کمیته خوزستان در پاسخ به اتهامات مغرضانه

کارگران زحمتکش پروژه‌های آبادان!

اخبار بعد از انتشار مقاله "از مبارزات کارگر-ان بیکار چه می‌آموزیم" در نشریه بیکار شماره ۲۴، برخورد هایی از طرف سندیکا ی کارگران پروژه ای آبادان و یکی از گروه های محلی با این اعلامیه انجام گرفت. از آنجا-نکه این برخورد ها حاوی تحریفات مشخص و نتیجه گیری های بسیار نادرستی از بعضی از دستهای این اعلامیه بود، لازم می‌دانیم بطور مختصر در این باره بشما کارگران مبارز توضیح دهیم.

محور این انتقادات و در واقع ایرادات غیر اصولی این است که گویا سازمان بیکار تشکیلات سندیکای پروژه ای آبادان را یک سندیکای وابسته به حزب خائن توده و پسا سایر جریان های انحرافی دانسته است. نگاهی هر چند کوتاه به متن این اعلامیه، نادرستی این برداشت را بخوبی نشان می‌دهد.

این اعلامیه (اعلامیه سازمان) بعد از اینکه بد رستی بر روی دریافت بخش کوچکی از حق کارگران - وام بیکاری - در اثر مبارزات متشکل و متحد کارگران اشاره میکند، به بررسی عوامل منفی در صفوف کارگران که باعث شد کارگران بیکار و پروژه ای نتوانند به حق واقعی خود - حقوق بیکاری - دست پیدا کنند، می‌پردازد.

در بخشی از این بررسی به نبود یک تشکیلات واقعی سراسری اشاره میکند. در این قسمت از اعلامیه بطور مشخص به ایجاد و تنوع تشکیلات سندیکایی کارگران اشاره می-شود. یکی تشکیلات واقعی کارگران که از درون مبارزات خود کارگران ایجاد شده و در اینجا و آنجا بشکل سندیکای کارگران پروژه ای شکل گرفت. و دیگری سندیکای فلابسی و وابسته که با همکاری حزب جمهوری اسلامی و حزب خائن توده یا هدف اخلال در جنبش کارگری و مبارزات کارگران ایجاد شده و میشود اعلامیه بد رستی نشان می‌دهد که چگونه در حالیکه کارگران مبارز پروژه ای و بیکار در سرتاسر ایران، برای احقاق حقوق خود، در جریان مبارزات خستگی ناپذیرشان، دست به تشکیل سندیکای واقعی می‌زنند، دولت سر-

مایه داران و حاکمان آنها نیز دست به تشکیل سندیکاهای وابسته و فرمایشی می‌زنند تا بتوانند امواج خروشان جنبش کارگری را به بند کشیده و آنرا در چارچوب منافع خود متوقف کنند. در این راه از انواع و اقسام وسایل از جمله پرداخت وام بیکاری بکارگران پروژه ای و بیکار برای تثبیت موقعیت سندیکای فلابسی خود و بی اعتبار کردن تشکیلات واقعی کارگران استفاده کردند.

در آبادان نیز دقیقاً چنین مسایلی جریان داشت. در حالیکه کارگران مبارز پروژه ای از همان محبوحه قیام بد نهال ایجاد

تشکیلات واقعی خود بودند و بالاخره در اثر پیگیری و مبارزات مداومشان موفق شدند به این خواسته خود در اسفند ۵۷ جامه عمل بپوشانند در کنار آن نیز عوامل وابسته به هیئت حاکمه ضد خلقی نیز مشغول دست و پا کردن یک تشکیلات فلابسی و فرمایشی بنام "اتحادیه کارگران و تحصیل کرده ها" در مسجد بهبهانیها بودند. مقامات حاکم نیز برای متلاشی کردن تشکیلات واقعی کارگران - سندیکای پروژه ای آبادان - و تثبیت اتحادیه فرمایشی اعلام کردند که وام بیکاری از طریق این اتحادیه پرداخت میشود این مسایل و مبارزه ای که بین این دو جریان در آبادان وجود داشت بخوبی در نشریات بیکار و کارگر به پیش - نشریه کارگری سازمان - و بخصوص در گزارشی از مبارزات کارگران پروژه ای تحت عنوان "۴۰۰۰ کارگر پروژه ای متشکل شدند" (۱) بطور واقعی و مفصل آمده است. در این گزارشات بخوبی از توطئه های عوامل رژیم و کارفرمایان بر طبقه مبارزات کارگران پرده برداشته و مبارزات و مقاومت کارگران پروژه ای برای حفظ سندیکای واقعی خود بخوبی توصیف شده است.

بنابر این منظور از تشکیلات واقعی کارگران پروژه ای در مقاله بیکار، سندیکای کارگران پروژه ای آبادان، تبریز، تهران و... و منظور از سندیکای فرمایشی در آبادان همان "اتحادیه فلابسی کارگران و تحصیل کرده ها" است که وام بیکاری از طریق آن پرداخت میشود. و نشریه بیکار اشتباه این اتحادیه فلابسی را تحت عنوان سندیکای وابسته به حزب توده نام برده است.

بر خلاف روشن بودن مسایل فوق در مقاله بیکار، متأسفانه سندیکای کارگران پروژه ای با برخوردی غیر سیاسی و نادرست با مقاله فوق نه تنها واقعیات موجود در اعلامیه را نادیده گرفته و تحریف کرده است، بلکه پارا فراتر از آن گذاشته و کلیه کوشش های سازمان مارادری تأکید مبارزات بحق کارگران پروژه ای و رساندن صدای مبارزات حق طلبانه آنان به گوش طبقه کارگرایان و سایر هموطنان مبارز را نادیده گرفته و زیر سؤال برده است.

سلماً ما مطالب عنوان شده در اعلامیه سندیکای پروژه ای آبادان را بحساب اکثریت کارگران مبارز و آگاه آن نگذاشته و معتقدیم که این اعلامیه حاصل وحدت کوشش مذبحخانه بعضی عناصر سازشکار و مرتجع با جناح های انحصار طلب و ماجراجو که کاری جز تخریب در جنبش کارگری با توسل به شیوه های کودتا گرانه و ضد کارگری و تحمیل اراده خود بر آن ندارند، بوده و هدفی جز بی اعتبار کردن سازمان ما و نشریه بیکار که قدمهای هرچند ناچیزی در جهت کسب منافع واقعی طبقه

کارگر ایران برداشته و مشت این دوستان در زمین طبقه کارگر را باز میکند، ندارد. سلماً این مسئله نه تنها در خدمت کارگران نبود بلکه مستقیم و غیر مستقیم در خدمت سرمایه - داران و دشمنان طبقه کارگر ایران قرار میگردد ما در اینجا ضرورتی نمی بینیم که در برابر اتهاماتی از قبیل بی شرمی، مغرض و نشر اکاذیب و اراجیف به سازمان ما، که در این اعلامیه آمده است و ما آنرا جد از اهداف ضد کارگری مسبب اصلی صدور این اعلامیه نمی دانیم، موضع بگیریم و قضاوت را به کارگران آگاه و مبارزی که به ماهیت سازمان ما از درون سالها مبارزات پیگیر و خستگی ناپذیر آن آشنا هستند واگذار میکنیم.

ضمناً رفقای متحدین خلق نیز با برخوردی مغرضانه و بد بینانه دست به تحریف واقعیات زده و با فرو بستن چشم خود بر واقعیات و متهم کردن سازمان به بیخبری، ارزیابی - های غیر مسئولانه و پایه گویی و... نشان داده اند که از بحث ایدئولوژیک و انتقاد رفیقانه چه برداشتی دارند و چگونه میخواهند به طبقه کارگر خدمت کنند.

رفقا! طر کرده اند که منظور ما (سازمان بیکار) از سندیکای فرمایشی آبادان همان سندیکای پروژه ای است. ما بدون اینکه دیگر در این مورد توضیحی را لازم بدانیم قضاوت را به عهده تمامی کارگران زحمتکش پروژه ای میگذاریم تا پس از مروری بر نوشته های بیکار (شماره های ۱۰، ۷، ۲، ۱۲، ۱۳) و کارگر به پیش شماره ۵ خود در این باره قضاوت کرده و بی پایگی این ادعا را دریابند.

رفقا! ما را متهم کرده اند که گویا سازمان ما ادعا کرده است که اولین بار طرح صدور بیمه بیکاری از طرف سازمان مطرح شد ما مسترفقا ما را به آرشینوار هیچه مبارزات سندیکای پروژه ای رجوع میدهند. آبا بهترینت خود این رفقا پرده بدبینی و غرض ورزی را از جلو چشمشان کنار زده و با نگاهی کوتاه به متن اعلامیه فوق الذکر (۲) و همچنین اعلامیه بیکاری در شماره (۳) بی پایگی ادعای خود را دریابند.

رفقا! ما را متهم کرده اند که نسبت به مسائل سندیکای پروژه ای بی خبریم، ذهنی هستیم و... ما میگوئیم با کمترینک چشمان خود را بغیه در صفحه ۱۸

(۱) کارگر به پیش شماره ۵، تاریخ ۸ خرداد ۵۸، صفحات ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴

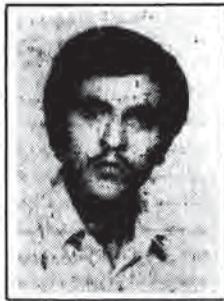
(۲) کارگران بیکار از همان ابتدا خود طرح "حق بیمه بیکاری" را مطرح نمودند. بیکار شماره ۲۴ صفحه ۱۰

(۳) روز شنبه ۹ اسفند کارگران بیکار در "محل کارگران بیکار" یا سازمان کارگران سابق جمع شدند و توسط "شورای موسس کارگران" که در ۱۷ اسفند تشکیل شده بود سه خواست زیر را مطرح کردند:

۱-...  
۲- تشکیل صندوق بیمه بیکاری  
۳-...



### گرامی باد خاطره رفیق شهید



## محمد رضا آخوندی

"موقعی که رفیق آخوندی را در تاسفستان ۶۵ دیدم، هنوز آثار شکنجه در کف پایش بهیچون نیافتاده بود، در آن زمان مسئله باز دیده‌یشت ملیت سرخ از زندان مطرح بود، عدوی (جلاد ساواک) با او صحبت کرده و گفته بود "اگر با ملیت سرخی‌ها در باره شکنجه‌ها صحبت کنی، پس از رفتن آنها تراز شکنجه‌خواهم کشت چون بهر حال تو اعدای هستی". ولی رفیق به این شهیدندوچی نکرده و با وجودیکه او را به انفرادی منتقل کرده بودند، تمام تریابط اخلاقی و شکنجه‌رایشان را دادن آثار شکنجه در بدن خویش، برای نما پندگان ملیت سرخ معضلا بیان کرده بود (این نکته را خود هیئت در بند عمومی گفتند).

"با توجه به فشارهایی که آنروزها در مورد رفتار با زندانیان سیاسی در سطح داخلی و بین‌المللی بر رژیم وارد میشد، رفیق می خواست از طریق رژیم دادگاه برای افتخار رژیم و ساواک و برای دفاع از اهداف انقلابی بازمان و آلمان طیفه کارگرویدگر زحمتکشان استفاده کند، لذا تمام وقت خود را صرف

۲۵ مهرماه مهاجرت نمودن ما لگردد نهادت افتخار فریب رفیق شهید محمدرضا خوندی (داد) که آخرین شهید از کاروان اعدای ملیت سرخ بود، در آن روزها رژیم شاه شمار می رود.

رفیق متولد تهران بود، دوره تحصیلی را در دسترس نماند، علوی گذرانده و در سال ۵۵ به بانکداری پرداخت، برکناری سرپرست بانک رفیق در وزارت معنی - سیاسی دانشجویی فعال بود و همسرم دلیل در سال ۵۴ سوسله ساواک دستگیر شد، پس از آزادی و در اوایل سال ۵۴ در شرایط نا رفیق شهید مهدی موسوی قمی عضو هیئت سازمان مجاهدین خلق ایران در آمد و سپس در پرونده تحول ایدئولوژیک سازمان به بحث "مشتملاً سازمان مجاهدین خلق ایران" پیوست. رفیق در هیئت تکلیفی و کارگسری سازمان به فعالیت انقلابی خود ادامه میداد. در اوایل آبان ۵۵ رفیق در صفهان به دام پلیس می افتد و علی‌رغم فرار و درگیری منطحاته دستگیر میشود. کوشش او برای خودکشی عملت گیر کردن گلوله و نیز اثر نگردن سعی که همسرم منظور خورده بود، سودی نسی - بخشد، پس از ۴ شانه رور تحمل شکنجه وحشیانه و مداوم در صفهان و تهران و برندن ساواک پس از فرارهای فزاینده و خسته گردن آن، آن آدرس یک انباری را که قرار بود پس از ۴۸ ساعت تخلیه شود، میگوید، اما انباریه این دلیل که رفیق پیش فکر میکردند در همانجا بدام پلیس افتاده، تخلیه نشده بود، و در نتیجه مدارک زیادی بدست ساواک می افتد. و در این رابطه با توجه به اسناد بدست آمده از انبار اعدای دستگیر میشوند.

یکی از رفقای هم‌رنجیر او در شرح خاطرات خود از روزه‌های زندان، چنین می نویسد:

تدوین دنا عبه میکرد. رفیق دفاعیاتش را که شامل تاریخچه بقود امپریالیسم در ایران، تاریخچه مبارزات خلق، و تحلیلی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی آنروزها معواشیات حفاثت مبارزه انقلابی بود، روی تکه کاغذ - هائی بخط بنیاد بربری نوشت، آنرا در یک خمیربندان خاسازی کرده کار او را مجدداً و قبل از "دادگاه" به انفرادی بردند، همراه با وسائل شخصی اش حفظ کند و سپس آنرا بشکلی به "دادگاه" سپرد و آنرا در اختیار خبرنگاران خارجی قرار دهد.

"ما رژیم را "دادگاه" غلظتی منتصرف شد و رفیق در "دادگاه" غیرعلنی اول به اتهامات محلف محکوم شد و دوبار اعدام گرفت. در "دادگاه" دوم همچون ماندگذاشته از مواضع سیاسی و انقلابی خود با زمان اش دفاع کرد بازم همان محکومیت ها تکرار شد و به سلول انفرادی منتقل گشت و یکماه پس از محکومیت در بیدادگاه دوم، در سرک راه ۲۵ مهر ۱۳۵۶ در مقابل جوخه اعدای مزدوران آمریکا به شهادت رسید.

"صداقت انقلابی و مقاومت و روحیه عالی و شزلزل ناپذیر این رفیق - که تمام هستی خویش را در راه و راهائی طبقه کارگرو زحمتکشان گذارده بود - مرا همه رفقای زندانی را تحت تاثیر قرار داده بود و خاطرهای در دل های همزمان زندانی و توده های زحمتکش ایران زنده و جاوید خواهد ماند. رفیق حتی پس از محکومیت به اعدام که در بین ما بود، لحظه ای هم گرفته و ناراحت نبود و همیشه چهره ای خندان و بیانش داشت."

تنگ و نفرت بر میوه چیمان انقلاب که می خواهد مبارزات نیروهای انقلابی و کمونیستها را کوردلان از خاطره ها بزدا پندار

بقیه از صفحه ۱۴

### نگاهی به قانون اساسی محمول مجلس خبرگان (۴)

یک پیمان علیه دشمن متترک به توافق خواهم رسید. (لنین)

امروزه حتی پس از اینکه قدرتمندان به پیشنهادهای حزب توده ایران توجهی نکرده، رویزیونیستها هنوز "تما بل روحی خود را به چانه زدن" از دست نداده اند. آنها خطاب به دولت بورژوازی مینویسند: "یاد آوری میکنیم که اهمیت موضوع توسط حزب توده ایران، بهنگام بحث پیرامون پیش نویس قانون اساسی... با تسلیم... نامرگشاده ارجان کمیته مرکزی به هیئت دولت... به کرات و صریحاً خاطرنشان شد. کسی نمیتواند بگوید که بموقع خود، توجه مسئولان و تدوین کنندگان آینده قانون اساسی به این مسئله حیاتی جلب شده است... ما حق نداریم، حق کاملاً برابر زنان را نادیده بگیریم... ما باید دستاوردهای انقلاب را از دست نبرده و انقلاب ممنون نگاه داریم..." (مرد شماره ۵۸ - ۱۴ مهرماه)

وای بر هیئت حاکمه که طرز فکر قشری،

شودالی و بیفایده ارتجایی چنان او را در تار و پودش محصور ساخته که حتی از تشخیص چنین دوستان سینه چاک، مخلص و بی ریا خود عاجز مانده است. ببینید رویزیونیستهای وطنی ما چه فرومایگی قابل تحقیری از خود نشان میدهند، درست مانند یک دلال حرف میزنند. آنها با تکرار بیست و هشتاد بار "ما آشکاروسی ربا خود را عضو از خانواده مسئولان و تدوین کنندگان آینده قانون اساسی" بورژوازی بحساب می آورند. رویزیونیستهای حزب توده ابتدا به هیئت دولت بورژوازی توصیه کردند، فلان کار را بکن و بهمان کار را نکن، و امروز هم، چون که به لطف مقام شریفان وقوع زلزله را پیشاپیش تشخیص داده، از روی احساس مسئولیت به باران خود هندا میدهند "ما (یعنی حزب توده و دولت بورژوازی) باید دستاوردهای انقلاب را از دست نبرده و انقلاب ممنون نگاه داریم." باید گفت: آقا بایان کیا توری ها، هیچ نگران نباشید، احدی از خلقها به شما نخواهد گفت که بموقع توجهتان به این مسئله حیاتی و حماس جلب بند، چرا که شما با سیاستهای خود ثابت کرده اید دوست بی ربا هیئت حاکمه هستید.

ادامه دارد...

بقیه از صفحه ۱۷  
اطلاعیه ...

بد بینانه بر واقعیت فرو می بندند چه میتوان کرد؟! نشریات پیکار و کارگر به پیش و اعلامیه های کمیته خوزستان سازمان ایما نشانده همدان و واقعیت آشکار نیست که ما نه تنها نسبت به این مسائل بی اطلاع نبوده ایم بلکه تا حد توان خود کوشش کرده ایم صدای مبارزات حق طلبانه کارگران پروژه ای را به گوش طبقه کارگر و خلق های قهرمان ایران برسانیم.

ما بیشتر از این برخوردار با اعلامیه رفتار جایز نمی دانیم و ضمن اینکه قضاوت را به عهده کارگران زحمتکش و آگاه پروژه ای می گذاریم رفقای متحدین خلق را به برخورد سازنده و اصولی با ساهیل جنبش کارگری دعوت میکنیم.

"هر توان باد مبارزات حق طلبانه کارگران ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم مستحکم باد اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران"

"پیش به سوی ایجاد حزب طبقه کارگر ایران" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر کمیته خوزستان ۵۸/۸/۶



## درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی (۵)

### هنگامیکه چریکهای فدایی به نفی دیکتاتوری پرولتاریا می رسند

دارتدودرروسیا آن ایدئولوژی و فرهنگ، عادت و سنت کهن و فاسدکننده، فعال می باشد و این مجموعه بلاانقطاع، طبقه کارگر و حزبش را مورد هجوم خودقرار می دهند.

لنین می نویسد:  
"آری، میان طبقه کارگر و جامعه بورژوازی، کهنه، دیوارچین فاصله نیست. و زمانی که انقلاب فرا میرسد مواد ما نندمرگ یک انسان جریان نمی یابد. که جد او را بیرون می برند. زمانی که جامعه کهنه می-میرد، جد آنرا نمی توان درتاب-سوت میخوب کرد و درگور گذاشت. این جد در میان ما زهم می باشد، می گندد و خود ما را

پرولتری حزب و تبدیل آن به یک حزب رویزیو - نیستی ستاد فرماندهی طبقه کارگر منهدم گشته و جامعه سوسیالیستی روبه انحطاط و بازگشت به عقب می گذارد. دولت حاکم خملت پرولتری خود را از دست داده و از این پس سیاستهایی که در زیربنا و روبینا پیاده خواهند شد، دیگر نه ملهم از ایدئولوژی و مثنی پرولتاریا بلکه ملهم از ایدئولوژی و مثنی رویزیونیستی و بورژوازی خواهند بود.

اگر از گفتار خود تا بدینجا در یک کلام جمع بندی کنیم به این نتیجه می رسیم که از نقطه نظر فلسفه و لکتیک حرکت تاریخ دارای زیگزاگ وافت و خیز بوده در عین حال که روند عمومی آن روبه بالایی می باشد. برای این پایه امکان اینست که یک کشور در حال ساختمان سوسیالیسم به عقب بازگردد و در آن نظام سرمایه داری تسلط یابد موجودات، زیرا در این جامعه عوامل بازدارنده زیربنایی و روبینایی که مناسبات کهن را در خود حفظ کرده و می گوشتند تا این مناسبات را توسعه دهند هنوز زمین نرفته اند.

● جامعه سوسیالیستی هنوز یک جامعه طبقاتی است و در آن طبقات و مبارزه طبقاتی برای مدت زمان بسیار طولانی وجود خواهد داشت.

● رفقای فدائی، همچنانکه "چریک" را قهرمانی ملکوتی و شکستنا پذیر تصور میکنند، طبقه کارگر و حزبش را نیز اینگونه ترسیم می کنند و نمی توانند ببینند که طبقه کارگر در جامعه سوسیالیستی و در کشاکش مبارزه طبقاتی می تواند از قدرت فرو افتد.

در این ارتباط هدایت جامعه سوسیالیستی توسط حزب طبقه کارگر تعیین کننده است. حزب سکان هدایت کننده جامعه ای است که در آن عناصر نظام کهن و عناصر رشد یافته نظام آتی در کنار یکدیگر قرار دارند. حزب برای پرولتاریا نه تنها از این جهت لازم است که بتواند انقلاب را به پیروزی برساند بلکه مهمترین امر آن اینست که پرولتاریا بتواند دیکتاتوری طبقاتی اش را مستقر نموده و جامعه سوسیالیستی را بسوی کوم-نیسم راهنمون شود. حزب کمونیست ستاد فرماندهی پرولتاریا و ملحه دیکتاتوری پرولتاریا می باشد. دیکتاتوری پرولتاریا بدون حزب راستین طبقه کارگر که متکی بر جهان بینی کمونیسم و میانی ایدئولوژیک مارکسیسم-لنینیسم است نمی تواند ستوار باشد. حزبی که از یک انضباط آهنین پرولتری و تشکیلات عالی برخوردار است، حزبی که در میان توده های وسیع نفوذ داشته و راهگشای جامعه آینده است. لیکن فراموش نکنیم که جامعه سوسیالیستی هنوز یک جامعه طبقاتی است و در آن طبقات و مبارزه طبقاتی برای مدت زمان بسیار طولانی وجود خواهند داشت حزب طبقه کارگر در بین چنین جامعه ای مدام مورد تهاجم ایدئولوژیک و نفوذ مخرب افکار و عادات بورژوازی و خرده بورژوازی می باشد. در حقیقت مبارزه طبقاتی جاری در اجتماع درهرون حزب طبقه کارگر با زتاب پیدا می کند و جهان بینی بورژوازی و خرده بورژوازی بطور مستمر سیاست و ایدئولوژی پرولتاریا را مورد تهاجم خویش قرار می دهد. بدین لحاظ احتمال اینست که حزب از مسیر خود به گمراه کشیده شود و به انحراف بورژوازی در غلط پیوسته موجود است. زمانی که رویزیونیسم به مثابه یک جریان فکری بورژوازی در درون حزب پرولتاریا غلبه پیدا کرد، در آن هنگام سکان هدایت کننده و ستاد فرماندهی طبقه کارگر تغییر ماهیت یافته و از مسیر خود منحرف می گردد. زیرا آنچه که تعیین کننده حرکت و ماهیت حزب است مثنی و سیاست حاکم بر آن می باشد، با قلب یا هیست

نیز آلوده می کند.  
(جلسه مشترک کمیته اجرائی مرکزی سراسر روسیه، شورای سکونما یندگان کارگران و دهقانان و ارتش سرخ و اتحادیه های کارگری، ژوش ۱۹۱۸)  
و یا با لنین می نویسد:  
"میان کارگر و جامعه کهنه هیئنگاه دیوارچین فاصله نبود. بسیاری از روحیات سنتی جامعه سرمایه داری در کارگر باقی مانده است. کارگران جامعه سوسیالیستی می سازند بدون آنکه خود به انسانهای نوین منزه از آلودگیهای دنیای کهنه تبدیل شده باشند. برعکس هنوز تازانو در این لحظه فرورفته اند، پاک شدن از این آلودگیها فعلا فقط در عالم اندیشه میسر است. پنداری عمیقاً واهی است اگر فکر کنیم که اینکار را می توان فوراً عملی ساخت. این پندار واهی در عمل استقرار سوسیالیسم را فقط به دنیای سازی موقوف خواهد کرد.  
نه، ما اینطور به ساختمان سوسیالیسم نمی پردازیم. ما سوسیالیسم را بنا می کنیم در حالی که بر زمینه جامعه سرمایه داری ایستاده ایم، در حالیکه علیه همه آن ضغنا و معايبی مبارزه می کنیم که دامن زحمتکشان را نیز گرفته است و پرولتاریا را به سقوط سوق می دهد.  
(گزارش به دومین کنگره اتحادیه های کارگری سراسری روسیه، ۲۰ آذر ۱۹۱۹)  
ادامه دارد...

اما درک ساده گرایانه و مکانیکی سازمان چریک-های فدائی خلق در برخورد به حزب طبقه کارگر اینچنین خود را بروز می دهد:  
"معا، طبقه کارگر آگاه، انقلابی و قهرمانی که به رهبری لنین و حزب بلشویک پس از سالها مبارزه، قدرت سیاسی را تسخیر می کند و حکومت کارگران را برقرار می سازد... به آسانی تسلیم عده ای رویزیونیست میشود و خروچیف و دارودسته اش در عرض چند سال دوباره طبقه کارگر را از طبقه ای حاکمه طبقه ای محکوم تبدیل می کنند و نظام سرمایه داری را مستقر می سازند. بدون آنکه کارگران کوچکترین اعتراضی بکنند. مریحا به این استدلال عالمانه: " (کار شماره ۱۸)  
چریکهای فدائی که هنوز از دیدگاه و بینش چریکی خود شیریده اند همچنانکه "چریک" را قهرمانی ملکوتی و شکستنا پذیر تصور می کنند طبقه کارگر و حزبش را نیز اینگونه ترسیم می کنند. ایتمان پیروزی اجتنابنا پذیر تا ریخی طبقه کارگر و سوسیالیسم را به هر نقطه ای از زمان تعمیم می دهند و در میله یک بعدی خود نمی توانند ببینند که طبقه کارگر در جامعه سوسیالیستی و در کشاکش مبارزه طبقاتی می تواند از قدرت فرو افتد. شکست طبقه کارگر در جامعه سوسیالیستی و سلب قدرت از وی محتوم نیست. لیکن اگر در مبارزه آگاهانه و طولانی طبقه کارگر خللی وارد بدوا انقلاب مداوم این طبقه دچار توقف و رکود گردد، در آن هنگام تهاجم همه جانبه بورژوازی گسترش پیدا نموده و بعد از طی یک روند، ضربه قطعی فرود خواهد آمد. در زیربنای جامعه عناصر و عوامل سرمایه داری هنوز وجود





**لوله تنگ پاسداران  
بطرف سینه کارگران  
بندر خمینی (شاپور سابق)**

در ساعت ۱۰ شب ۸/۳ سحر از سمدقصر از کارگران پروژه ای (صلی) پیمانکارهای این بندر که فادامکن هستند، پس از بارندگی شدید و طوفان و سرما برای حفظ جان و سلامتی خود به دستور (آریا مهراسبق) هجوم می برسد تا شاید ساعتی در سایه دیوار این دستان از گزند بارندگی و طوفان در امان باشند. اما "پاسداران سرما" به محض کس خسرو حشانه حمله کرده و پس از یک سری تیر - اندازه های هوایی برای ترساندن کارگران به آنان حمله میکنند. کارگران محبوسه تیرک محل میشوند. مردم که با شنیدن صدای تیر - اندازه در محل جمع شده بودند به پاسداران مزدور میگفتند "شما که خود را حامی مستضعفین میدانید، چرا لوله های تنگتان را به روی سرما به داران و پیمانکارهای زالوعت نمی - گیرید که عامل فقر و بیچارگی هستند." ...

**کارگران بیکار ایلام  
تهدید استاندار را  
بهیج می گیرند**

صبح روز ۵۸/۷/۲۸ نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارگران بیکار استان ایلام در مقابل اداره کار اجتماع کردند. در ساعت ۱۱/۵ استاندار همرا با رئیس شهربانی و چند نمازگزار در محل حاضر شدند. استاندار شروع به سخنرانی برای بیکاران نمود. وی گفت: "من هیچ مسئولیتی در مقابل شما ندارم و وام شما هم هیچ ربطی به من ندارد." وی کارگران را تهدید کرد که دیگر به استانداری نیایند. او گفت: "در غیر این صورت بدمی بینید!" استاندار در پایان اعلام کرد که میخواهد با پنج تن نماینده بیکاران مذاکره کند و به داخل رقت.

همه های در بین کارگران در گرفتند. آنها از اینکه استاندار تهدیدشان کرده و خط و نشان کشیده بود، خشمگین بودند. عده ای از کارگران می خواستند با حمله به اداره مذکور خشم خود را قرونشانند. لیکن تصمیم گرفتند که تا گرفتن حق خود از پای نمانند و متحدانه با پایداری کنند.

خانه "نخ زرین". شاد و سر حال از پیروزی ای که در پرتو همبستگی و اتحادشان با خود و دیگر کارگران بدست آورده بودند، جلسه ای تشکیل داده و شورای خود را با حضور و تحت نظارت بقیه در صفحه ۱۵

**سرانجام کارگران "نخ زرین" پیروز شدند**

محکوم شده و قرار شد که اخطار بهای برای دادستانی انقلاب و کمیته زندان او - فرستاده شود که در صورت آزاد کردن کارگران دستگیر شده دست به اعمال شدیدتری خواهد زد. ما کارگران کا رخانه "نخ زرین" اخطار می کنیم چنانچه تا روز شنبه ۵۸/۷/۲۸ برادران کارگر - ما را آزاد نشوند دست به ترحم و راهبیمانی خواهیم زد و از دیگر برادران کارگری خواهیم که در این مبارزه برای رهایی ۱۰ نفر - کارگران مبارز زندانی، ما را پشتیبانی و یاری نمایند. در اینجا اطلاعیه شماره ۳ کارگران "نخ زرین" با بیان میگرد، در خالیکه مبارزه - شان برای آزادی رفقای مبارزان ادا می - میباید. در روز دوشنبه کارگران کارخانجات مختلف و نمایندگان کارگران بیکار در کار - خانه "نخ زرین" اجتماع کرده و همبستگی و پشتیبانی خود را از مبارزان این کارگران ابراز می کنند. حدود دو ساعت از این اجتماع گذشته بود که پاسداران سر رسیدند و راه هارا بروی کارگران بستند ولی جرئت نکردند به آنان نزدیک شوند. کارگران در این موقع شعار می دادند: "کارگر زندانی آزاد باید گردد." مسئول پاسداران گوش می کند با چرب زبانی و حیل های مختلف کارگران را متفرق کند ولی موفق نمی شود. کارگران به جستجوی کارفرما می پردازند تا با گروهی از گرفتار اوداستانی انقلاب را محبوس به آزادی زندانیان کنند، ولی کارفرما قیلاً قیلاً فرار کرده بود و کارگران موفق به دستگیری او نمی شوند.

در این اجتماع خانواده های کارگران زندانی از وضعیت زندگی شان صحبت می کنند و با انگشت گذاشتن بر روی حمایت کمیته ها و دولت از کارفرما، ماهیت آنان را افشا می کنند. بالاخره کارگران متفرق می شوند با این قرار که فردا ساعت ۲/۵ دوباره جمع شوند و در صورتیکه رفقای شان آزاد نشده باشند، دست به اعتصاب و ترحم بزنند. اما اتحاد کارگران مبارز "نخ زرین" با یکدیگر و اتحاد آنان با سایر کارگران کا رخانه ها و حمایت فعال این کارگران از رفقای کارگر خود در نخ زرین باعث شد که به پیرونده کارگران مبارز فوراً رسیدگی شود و آنان آزاد شوند. در روز چهارشنبه ۵۸/۸/۲ کارگران کار -

مبارزه کارگران "کارخانه نخ زرین" برای آزادی ده تن از برادران کارگر خود - سرانجام به پیروزی انجامید و این علیرغم تمام توطئه های کارفرما و رژیم حامی سرما به - دازان صورت پذیرفت.

در شماره ۲۶ پیکار، ما نقل بخشی از اطلاعیه شماره ۲ کارگران نخ زرین خوانند - کاس عزیز را در جریان مبارزات آنها و جنگی دستگیری ده تن از رفقای مبارزان قنار - دادیم. اکنون، ما نقل بخشهایی از سومین اطلاعیه آنها به دنبال، جریانی می پردازیم: "در اطلاعیه شماره ۲ نوشتیم که با سندان ران کمیته مرکزی با زور و وحشونت ۱۰ نفر از کار - گران مبارز کا رخانه ما را دستگیر کرده و به زندان اوین برده اند. محمداهیجان کار - فرمای کا رخانه پیرونده ای با اتهامات دروغین تنظیم کرده که بنا بر آن، کارگران را متهم کرده اند که در کا رخانه آتش سوزی راه انداخته - اند، سینه شکسته اند و در نولید خلال کرده اند ... ما اینکه کلیه کارگران کا رخانه در شهادتنامه ای که امضا کرده اند، اتهامات دروغین فوق را رد کرده اند ولی کمیته مرکزی بدون هیچ تحقیقی در مورد شکایت کارفرما، این ده کارگر را دستگیر کرده و به اوین برده، قصد محاکمه آنها را دارد. در صورتی که ما کارگران چندین بار کتاً و شفاهاً از کارفرما به کمیته مزبور شکایت کرده ایم ولی حتی برای یکمرتبه هم کارفرما دستگیر نکرد." در قسمت دیگری از اطلاعیه چنین آمده است: "تا روز ۵۸/۷/۲۴ اکثریت کارگران بخاطر دستگیری کارگران مبارز، در اعتصاب بودند. بر اثر با فشاری کارگران اعتصابی، امروز ۵۸/۷/۲۴ از طرف کمیته کارگری پلی تکنیک به کا رخانه آمده و پاسداران مسلح مستقر در کا رخانه را که از کمیته ۱۳ بودند، با دوپا سدا غیر مسلح از کمیته مرکز عوی کردند. کارگران امروز به شورای متحده کارخانجات رفتند و مسائل خود را با آنان در - میان گذاشتند و از کارگران متشکل در این اتحادیه تقاضای همکاری کردند. شورای متحده ۵ نفر از اعضای خود را مسئول رسیدگی به مسائل کا رخانه کرد. این افراد برای تحقیق بیشتر در مورد مسائل با کارگران جلسه ای تشکیل دادند. در این جلسه کارفرما و کمیته ها

**پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر**